

Submit Date: 22 June 2025

Revise Date: 30 August 2025

Accept Date: 08 September 2025

Publish Date: 01 July 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Legal Mechanisms for the Prevention and Combating of Money Laundering in the Iranian Banking System (with Emphasis on the Requirements of Global Monetary and Financial Organizations)

Firouzeh Heydarzadeh¹, Ahmad Shams^{*2}, Siamak Amoozeidi³

1. Department of Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Department of Law, Kharazmi Branch, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: Ahmad-shams1965@yahoo.com

ABSTRACT

Money laundering, as a serious challenge within the Iranian banking system, requires effective legal mechanisms for the identification, prevention, and combating of illegal financial activities. This study examines the legal and regulatory requirements that, based on the Anti-Money Laundering Act of 2016 and its amendments, obligate banks to identify customers, monitor transactions, and report suspicious activities. The analysis reveals that weaknesses in the legal capacity of banks may lead to failures in implementing guidelines and an increase in civil and criminal liability for managers. Furthermore, alignment with international standards, particularly the recommendations of the Financial Action Task Force (FATF), is of great importance, and compliance with these requirements can reduce the risk of international punitive measures. This study investigates supervisory, educational, and technological processes within the Iranian banking system and emphasizes that strengthening the legal and educational capacity of banks, developing intelligent systems for transaction analysis, and establishing effective coordination with judicial and security institutions are among the most important elements of these mechanisms. Ultimately, success in preventing and combating money laundering requires the simultaneous implementation of domestic laws, international obligations, and the development of modern technologies. This process is not only a legal obligation but also a practical and strategic necessity for enhancing the transparency and credibility of the country's banking system.

Keywords: Money laundering, legal mechanisms, Iranian banking system, Anti-Money Laundering Act, financial transparency

How to cite: Heydarzadeh, F., Shams, A., & Amoozeidi, S. (2026). Legal Mechanisms for the Prevention and Combating of Money Laundering in the Iranian Banking System (with Emphasis on the Requirements of Global Monetary and Financial Organizations). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-25.



تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱۰ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

سازوکارهای حقوقی پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران (با تاکید بر الزامات سازمان های پولی و مالی جهانی)

فیروزه حیدرزاده^۱، احمد شمس^{۲*}، سیامک عموزیدی^۳

۱. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد خوارزمی، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Ahmad-shams1965@yahoo.com

چکیده

پولشویی به عنوان یک چالش جدی در نظام بانکی ایران، نیازمند سازوکارهای حقوقی مؤثر برای شناسایی، پیشگیری و مقابله با فعالیت های مالی غیرقانونی است. این پژوهش به بررسی الزامات قانونی و مقرراتی می پردازد که بر اساس قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۵ و اصلاحات آن، بانک ها را ملزم به شناسایی مشتریان، پایش تراکنش ها و گزارش دهی فعالیت های مشکوک می نماید. تحلیل نشان می دهد که ضعف در ظرفیت حقوقی بانک ها می تواند منجر به کوتاهی در اجرای دستورالعمل ها و افزایش مسئولیت مدنی و کیفری مدیران شود. همچنین، هماهنگی با استانداردهای بین المللی، به ویژه توصیه های FATF، از اهمیت بالایی برخوردار است و رعایت این الزامات می تواند خطر اقدامات تنبیهی بین المللی را کاهش دهد. این پژوهش به بررسی فرآیندهای نظارتی، آموزشی و فناوری در نظام بانکی ایران می پردازد و تأکید می کند که تقویت ظرفیت حقوقی و آموزشی بانک ها، توسعه سامانه های هوشمند تحلیل تراکنش ها و ایجاد هماهنگی مؤثر با نهادهای قضایی و امنیتی از جمله مهم ترین عناصر این سازوکارها هستند. در نهایت، موفقیت در پیشگیری و مقابله با پولشویی مستلزم اجرای همزمان قوانین داخلی، الزامات بین المللی و توسعه فناوری های نوین است. این فرآیند نه تنها یک الزام قانونی، بلکه یک ضرورت عملی و استراتژیک برای تقویت شفافیت و اعتبار نظام بانکی کشور است.

کلیدواژگان: پولشویی، سازوکارهای حقوقی، نظام بانکی ایران، قانون مبارزه با پولشویی، شفافیت مالی

نحوه استناددهی: حیدرزاده، فیروزه، شمس، احمد. و عموزیدی، سیامک. (۱۴۰۵). سازوکارهای حقوقی پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران (با تاکید بر الزامات سازمان های پولی و مالی جهانی). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۲)، ۱-۲۵.



پولشویی به عنوان یکی از جرایم سازمان یافته فراملی، تهدیدی جدی برای سلامت ساختارهای اقتصادی، امنیت مالی، و حاکمیت قانون در سطح داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود. پیچیدگی‌های تکنیکی، ارتباط تنگاتنگ آن با فساد، تروریسم، فرار مالیاتی، و قاچاق، موجب شده است که مقابله با این پدیده، از صرف یک دغدغه اقتصادی یا کیفری فراتر رفته و به سطح سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی و تقنینی ارتقا یابد. در این میان، نظام بانکی به دلیل جایگاه محوری خود در انتقال وجوه و گردش سرمایه، به عنوان نخستین حلقه‌ی اجرایی و مهم‌ترین قانون آسیب‌پذیری در فرآیند پولشویی شناخته می‌شود. در سطح جهانی، سازمان‌هایی نظیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، و بانک جهانی، با ارائه چارچوب‌های الزام‌آور و غیرالزام‌آور نظیر توصیه‌های چهارگانه FATF، راهبردها و دستورالعمل‌های مقابله با جرایم مالی را برای کشورها تدوین کرده‌اند. این اسناد که محور اصلی تعاملات بین‌المللی در حوزه شفافیت مالی و مقابله با جرایم اقتصادی‌اند، کشورها را ملزم به تدوین و اجرای سازوکارهای قانونی، نهادی و اجرایی مؤثر در نظام بانکی برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم کرده‌اند. عدم رعایت این استانداردها منجر به کاهش اعتبار نظام بانکی کشورها، ایجاد محدودیت در تعاملات مالی بین‌المللی، و محرومیت از خدمات بانکی جهانی می‌شود. در ایران، با تصویب قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحیه ۱۳۹۷، تلاش شد ساختار حقوقی منسجم‌تری برای مقابله با این پدیده ایجاد شود. ایجاد واحد اطلاعات مالی (FIU)، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی توسط بانک مرکزی، و الزام نهادهای مالی به شناسایی و گزارش معاملات مشکوک، گام‌هایی در راستای پیروی از استانداردهای بین‌المللی محسوب می‌شود. با این حال، فاصله معناداری میان اسناد تقنینی ایران و الزامات بین‌المللی به‌ویژه در

سطح اجرا، نظارت و تطبیق نهادی، قابل مشاهده است. نخست، در حوزه قانون‌گذاری، اگرچه مفاهیم کلیدی پولشویی در قوانین ایران تعریف شده‌اند، اما همچنان ابهام در شمول جرائم منشأ، نبود ضمانت اجرای مؤثر، و تعارض با برخی اصول آیین دادرسی کیفری، موجب تضعیف کارآمدی این قوانین شده است. دوم، در سطح نهادی، با وجود شکل‌گیری FIU، نهادهای ذی‌ربط از جمله بانک مرکزی، قوه قضائیه، و نهادهای انتظامی با نقص در هماهنگی بین‌سازمانی، ضعف در انتقال داده‌ها، و عدم استقلال نهادی مواجه‌اند. سوم، در سطح اجرایی و نظارتی، نظام شناسایی مشتری (KYC) در بانک‌های ایرانی، اغلب به صورت صوری اجرا می‌شود و زیرساخت‌های فناورانه تحلیل تراکنش‌ها در مقایسه با بانک‌های کشورهای توسعه یافته، در سطح نازل‌تری قرار دارد. از سوی دیگر، قرارگیری ایران در لیست کشورهای پرریسک FATF و تعلیق موقت اقدامات تقابلی در سال‌های اخیر، نه تنها تعاملات بانکی با سایر کشورها را مختل کرده، بلکه مشروعیت حقوقی و اعتماد بین‌المللی به سازوکارهای حقوقی داخلی را نیز زیر سؤال برده است. همچنین عدم تصویب لوایح مکمل چون لایحه پیوستن به کنوانسیون CFT یا اصلاحات قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، موجب شده کشور در تعاملات پولی بین‌المللی با انسداد جدی روبه‌رو شود. در این چارچوب، مسئله محوری پژوهش حاضر آن است که: سازوکارهای حقوقی موجود در نظام بانکی ایران در مواجهه با پولشویی تا چه میزان با استانداردهای بین‌المللی (نظیر توصیه‌های FATF) هم‌راستا است و شکاف‌های موجود در حوزه‌های تقنینی، نهادی و اجرایی به چه عواملی بازمی‌گردد؟ همچنین، چه اصلاحات ساختاری و حقوقی می‌تواند به ارتقای کارآمدی این سازوکارها منجر شود؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

در نظام‌های حقوقی نوین، مقابله با پولشویی صرفاً یک موضوع کیفری یا اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان بخشی از

با الزامات بین‌المللی، شکاف‌های حقوقی موجود را به‌صورت تخصصی واکاوی می‌کند.

۳- ضرورت بازطراحی حقوقی سازوکارهای بانکی در قبال پولشویی: بیشتر مطالعات در حوزه پولشویی در ایران بر ابعاد کیفری یا نظری متمرکز بوده‌اند. در مقابل، این پژوهش اهمیت دارد چون به‌صورت تخصصی بر سازوکارهای درون‌بانکی (مانند اجرای الزامات KYC، سامانه‌های گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک، نقش واحد اطلاعات مالی، و شیوه‌های احراز هویت مالی) از منظر حقوقی تمرکز دارد.

۴- ملاحظات حقوقی ناشی از تحریم‌ها و تعامل با نظام مالی جهانی: ایران به‌عنوان کشوری با سابقه تحریم‌های چندلایه، در معرض خطر انزوای مالی است. یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای بازگشت به تعاملات بانکی بین‌المللی، اصلاح و ارتقای نظام حقوقی مبارزه با پولشویی مطابق با انتظارات نهادهای بین‌المللی است. این پژوهش می‌کوشد با تحلیل دقیق حقوقی، نقشه راهی برای انطباق تدریجی با نظام مالی جهانی ترسیم کند.

۵- فقدان مطالعه‌های روشمند با رویکرد تطبیقی-نهادی: با وجود تعدد منابع درباره پولشویی، پژوهش‌های معدودی به تحلیل ساختاریافته قوانین، آیین‌نامه‌ها، نهادهای نظارتی و تجارب تطبیقی (به‌ویژه نظام‌های حقوقی فرانسه و ایالات متحده) پرداخته‌اند. این پژوهش، با تلفیق روش تحلیل اسنادی و محتوای کیفی، خلأ پژوهشی در این زمینه را پر خواهد کرد.

به‌طور کلی، اهمیت این پژوهش در آن است که تلاش دارد با رویکردی تخصصی، نهادی و تطبیقی، چارچوب حقوقی مبارزه با پولشویی در نظام بانکی ایران را مورد بازنگری انتقادی قرار دهد و زمینه تدوین پیشنهادها و اصلاحی برای انطباق با قواعد جهانی و ارتقای حکمرانی مالی را فراهم آورد.

تحقیق حاضر با هدف بررسی و تحلیل سازوکارهای حقوقی پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران با تأکید بر

فرآیند تضمین شفافیت مالی، سلامت نهادهای بانکی، و انتظام بخشی به گردش سرمایه‌ها تلقی می‌گردد. اهمیت موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که پولشویی را نه در سطح مصادیق فردی، بلکه در قالب زنجیره‌ای از تعاملات نهادی، مقرراتی و بین‌المللی مورد توجه قرار دهیم؛ زنجیره‌ای که در آن، خلأهای حقوقی یا ضعف در ساختارهای اجرایی می‌تواند تبعات چندلایه برای اعتبار، امنیت، و حکمرانی مالی یک کشور ایجاد کند. در این میان، نظام بانکی ایران به‌واسطه ساختار دولتی-نیمه‌خصوصی، گستردگی عملیات مالی، و ارتباط آن با فرآیندهای ارزی و صادراتی، در معرض بالای آسیب‌پذیری ناشی از جریان‌های مشکوک مالی قرار دارد. مقابله مؤثر با این پدیده، مستلزم طراحی و اجرای چارچوب حقوقی چندسطحی است؛ چارچوبی که در آن، قانون‌گذاری کیفری صرف کفایت نمی‌کند، بلکه ضرورت دارد ساختارهای نظارتی، رویه‌های بانک‌محور، سامانه‌های گزارش‌دهی، و الزامات بین‌المللی نیز در بطن نظام حقوقی داخلی تلفیق شود. از منظر دکترین حقوق بانکی و مالی، اهمیت این پژوهش در چند محور تخصصی قابل تبیین است:

۱- تبیین جایگاه حقوقی پولشویی در ساختار حاکمیت مالی: نظام تقنینی ایران، هنوز در مرحله تثبیت مفهومی پولشویی به‌عنوان یک «جرم علیه نظم عمومی اقتصادی» است. ضرورت دارد موقعیت حقوقی این جرم در تعامل با سایر جرائم اقتصادی (همچون اختلاس، فرار مالیاتی و قاچاق سرمایه) به‌صورت تحلیلی و نظام‌مند بازشناسی شود.

۲- بررسی تطبیقی کارآمدی مقررات داخلی با استانداردهای بین‌المللی: در دنیای امروز، مقابله با پولشویی بدون رعایت ملاحظات حقوق بین‌الملل اقتصادی و تعهدات ناشی از عضویت در نهادهایی مانند FATF یا کنوانسیون‌های سازمان ملل ممکن نیست. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل هم‌راستایی مقررات ایران

شد. معیارهای گزینش منابع شامل: اعتبار علمی یا قانونی منبع (اعم از مقالات پژوهشی، کتب دانشگاهی، مصوبات قانونی، گزارش‌های رسمی نهادهای بین‌المللی مانند FATF، IMF، UNODC و بانک جهانی) روابط مستقیم با موضوع پژوهش؛ به‌روز بودن اطلاعات (تأکید بر منابع ۲۰۱۵ به بعد، به‌ویژه پس از بازنگری الزامات گروه ویژه اقدام مالی FATF) جامعیت و تطابق با نظام حقوقی ایران. در مرحله تحلیل، از روش تحلیل محتوای کیفی برای بررسی مضامین حقوقی، روندهای تقنینی، و تطبیق مقررات داخلی با اسناد بین‌المللی استفاده شده است. متون قانونی داخلی (مانند قانون مبارزه با پولشویی، آیین‌نامه‌ها، و دستورالعمل‌های بانک مرکزی) و اسناد بین‌المللی (کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون پالرمو، توصیه‌های چهل‌گانه FATF و سایر استانداردهای نهادهای مالی جهانی) به‌طور خط‌به‌خط بررسی و کدگذاری شدند. سپس این داده‌ها در قالب مقولات حقوقی همچون «پیشگیری»، «نظارت»، «همکاری بین‌المللی»، و «تحریم‌های بانکی» طبقه‌بندی و تحلیل گردید. در مجموع، این پژوهش با تلفیق دو روش «تحلیل اسنادی» و «تحلیل محتوای کیفی»، به ارزیابی دقیق چارچوب حقوقی ایران در مواجهه با پولشویی پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را در پرتو معیارهای بین‌المللی بررسی کرده است. روش فیش‌برداری در این پژوهش نه تنها به‌صورت معمول بلکه به‌طور کاملاً ساخت‌یافته و نظام‌مند اجرا شد. در این فرآیند، برای گردآوری داده‌ها از فرم‌های استاندارد کدگذاری محتوای متون بهره گرفته شد تا هر یک از مفاهیم و مضامین استخراج‌شده در قالبی مشخص و سازمان‌یافته ثبت شوند. این امر سبب شد که اطلاعات گردآوری‌شده دچار پراکندگی و آشفتگی نگردد و هر داده در جایگاه مناسب خود قرار گیرد. همچنین استفاده از فرم‌های کدگذاری امکان دسته‌بندی موضوعی، مقایسه و ارجاع مجدد به داده‌ها را فراهم ساخت و از بروز خطا یا تفسیرهای چندگانه جلوگیری کرد. بدین ترتیب،

الزامات سازمان‌های پولی و مالی جهانی انجام می‌شود. اهداف اصلی و اختصاصی این پژوهش عبارتند از:

هدف اصلی: تحلیل و ارزیابی سازوکارهای حقوقی پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران با توجه به الزامات و استانداردهای بین‌المللی، و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن‌ها.

اهداف فرعی:

۱. شناسایی و بررسی مهم‌ترین الزامات سازمان‌های پولی و مالی جهانی در زمینه مقابله با پولشویی.
۲. ارزیابی وضعیت فعلی حقوقی و نهادی ایران در مقابله با پولشویی در بخش بانکی.
۳. ارائه پیشنهادهایی برای تطبیق بهتر مقررات ایران با استانداردهای بین‌المللی و افزایش اثربخشی آن‌ها.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، یک تحقیق کاربردی است که به دنبال ارائه راهکارهای حقوقی مؤثر برای بهبود نظام مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران با بهره‌گیری از استانداردها و الزامات نهادهای بین‌المللی می‌باشد. از نظر ماهیت و روش، تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوای کیفی و تحلیل اسنادی است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است؛ اما برخلاف رویکردهای کلی‌نگر، در این پژوهش، فرآیند انتخاب، ارزیابی و تحلیل منابع به‌طور دقیق و نظام‌مند صورت گرفته است. در مرحله گردآوری داده‌ها، ابتدا با استفاده از پایگاه‌های علمی و حقوقی معتبر مانند SID، MagIran، JSTOR، HeinOnline، IranDoc، NoorMags، Google Scholar، LexisNexis و Westlaw، اسناد و متون حقوقی مرتبط با موضوع شناسایی گردید. کلیدواژه‌هایی مانند «پولشویی»، «نظام بانکی ایران»، «FATF»، «الزامات بین‌المللی پولی و مالی»، «حقوق کیفری اقتصادی»، و «کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با جرایم مالی» برای جست‌وجو استفاده

تحلیل‌های انجام‌شده بر مبنای شواهدی دقیق و قابل اتکا سامان یافت و نتایج پژوهش از انسجام و اعتبار بالاتری برخوردار شد. درواقع، این شیوه موجب شد فرآیند فیش‌برداری تنها به گردآوری خام داده‌ها محدود نماند بلکه به ابزاری برای سازمان‌دهی و هدایت بهتر مراحل بعدی تحقیق تبدیل شود و نقش اساسی در استحکام یافته‌های نهایی ایفا کند.

مفهوم لغوی و اصطلاحی پولشویی

پدیده پولشویی در ادبیات معاصر حقوقی، اقتصادی و بانکی به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم سازمان‌یافته و پیچیده شناخته می‌شود که آثار و پیامدهای زیان‌باری برای نظام اقتصادی و مشروعیت ساختارهای مالی هر کشور به‌همراه دارد. این اصطلاح از منظر لغوی ترکیبی استعاری و کنایی از دو واژه «پول» و «شستن» است که در زبان فارسی مفهومی روشن و قابل درک برای عموم و متخصصان ایجاد می‌کند. واژه «پول» به‌معنای وسیله‌ای برای مبادله، سنجش ارزش، و ذخیره‌داری است، در حالی که «شستن» به‌معنای زدودن آلودگی، ناپاکی یا زشتی از اشیاء و مفاهیم به‌کار می‌رود. ترکیب این دو واژه، استعاره‌ای است از تلاش برای زدودن ناپاکی از منبع پول یا سرمایه، به‌نحوی که چهره‌ای مشروع و موجه به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مجرمانه داده شود (Sadeghi, 2020). از منظر کاربرد واژگانی، اصطلاح پولشویی با هدف بیان فرآیندی طراحی شده که در آن صاحبان درآمدهای غیرقانونی می‌کوشند تا منشأ نامشروع این وجوه را پنهان کرده و با بهره‌گیری از روش‌هایی چون نقل و انتقال بین حساب‌ها، خرید دارایی‌های فیزیکی، و یا ایجاد شرکت‌های صوری، آن‌ها را وارد چرخه رسمی اقتصاد نمایند. این عمل باعث می‌شود سرمایه‌ای که در اصل غیرقانونی و آلوده به جرم است، در ظاهر به‌عنوان سرمایه‌ای مشروع و دارای منبع روشن در ساختار بانکی و مالی ثبت شود (Seyed Mohammad, 2023a, 2023b). واژه «پولشویی» از نظر تاریخی اگرچه ریشه‌ای نوین دارد و نخستین‌بار

در متون اقتصادی و قضایی نیمه دوم قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت، اما از منظر مفهومی، بیان‌گر پدیده‌ای است که از گذشته‌های دور در قالب‌های ساده‌تری انجام می‌شده است. به عبارت دیگر، انسان در جوامع ابتدایی نیز همواره به دنبال راه‌هایی برای پنهان‌سازی منبع درآمدهای ناپسند و غیرمشروع خود بوده، اما با پیشرفت سیستم‌های مالی، بانکی، و نظام‌های حقوقی، این روش‌ها پیچیده‌تر، شبکه‌ای‌تر و سازمان‌یافته‌تر شده‌اند (Mirzaei,

2019). در منابع فارسی، اصطلاح «پولشویی» ترجمه‌ای پذیرفته‌شده از مفهومی است که با بهره‌گیری از استعاره «شستن»، قصد دارد بر زشتی، آلودگی و ناپاکی ماهیت اولیه سرمایه و در عین حال تلاش برای پنهان‌سازی و مشروع‌نمایی آن تأکید کند. این اصطلاح به‌گونه‌ای طراحی شده که حتی مخاطبان غیرمتخصص نیز بتوانند به‌خوبی تصور کنند که در این فرآیند چه اتفاقی رخ می‌دهد؛ یعنی پول حاصل از فعالیت‌های مجرمانه مانند قاچاق مواد مخدر، تجارت انسان، فرار مالیاتی، رشوه، اختلاس و... به‌نحوی شسته می‌شود که گویی از ابتدا منبعی قانونی داشته است (Nikukar, 2023a).

تحلیل مفهوم لغوی این واژه بدون اشاره به ساختار سه‌مرحله‌ای فرآیند پولشویی ناقص خواهد بود. در ادبیات حقوقی، پولشویی معمولاً شامل سه مرحله به‌هم‌پیوسته است:

مرحله جای‌گذاری: در این مرحله، وجوه غیرقانونی برای نخستین بار وارد سیستم مالی می‌شوند، مثلاً از طریق سپرده‌گذاری در بانک‌ها یا خرید کالاهای گران‌قیمت.

مرحله لایه‌گذاری: در این گام، از طریق انجام معاملات پیچیده و متوالی، تلاش می‌شود منشأ اصلی پول پنهان شود.

مرحله یکپارچه‌سازی: در این مرحله، پول وارد گردش قانونی اقتصاد می‌شود و به‌عنوان سرمایه‌ای مشروع مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند خرید املاک یا سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارها (Abbasinia, 2023).

گونه‌ای باشد که اصل قانونی بودن جرم و مجازات (قانونیت) رعایت گردد. به عبارت دیگر، هیچ عملی بدون وجود نص قانونی صریح، جرم محسوب نمی‌شود و مجازات ندارد (موسوی، ۱۳۹۷: ۴۵). این اصل به ویژه در جرایم مالی و اقتصادی که پیچیدگی‌های فنی و حقوقی فراوان دارند، اهمیت مضاعف می‌یابد. همچنین، قوانین بین‌المللی و الزامات سازمان‌های پولی و مالی جهانی مانند گروه ویژه اقدام مالی^۱، چارچوبی برای تعریف و مقابله با پولشویی فراهم آورده‌اند که به تدریج در قوانین داخلی کشورها نیز منعکس شده است. این تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی موجب هم‌راستایی و افزایش اثربخشی مبارزه با پولشویی شده است (Sharifi, 2021).

پیامدهای ناشی از پولشویی

پولشویی به عنوان فرایندی که منجر به مشروعیت بخشیدن به وجوه ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود، پیامدهای عمیقی بر ساختارهای مالی و بانکی کشور دارد که به طور جدی می‌تواند ثبات و سلامت این ساختارها را تهدید کند. ورود حجم قابل توجهی از پول‌های کثیف به سیستم بانکی، موجب اختلال در گردش طبیعی منابع مالی و عدم تخصیص بهینه آن‌ها به بخش‌های مولد اقتصاد می‌شود و در نتیجه کارایی بانک‌ها و مؤسسات مالی کاهش می‌یابد. چنین اختلالی علاوه بر تاثیر مستقیم بر شاخص‌های اقتصادی، باعث افزایش ریسک اعتباری و نوسانات غیرمنتظره در بازارهای مالی می‌گردد که نهایتاً به کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد و رشد اقتصادی لطمه وارد می‌کند (Rahmani, 2024). از سوی دیگر، پیامد منفی دیگر پولشویی کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و مؤسسات مالی است. وقتی بانک‌ها در مسیر انجام تراکنش‌های پولشویی قرار می‌گیرند، اعتماد مشتریان، سرمایه‌گذاران و حتی نهادهای نظارتی تضعیف می‌شود و این بی‌اعتمادی زمینه‌ساز بحران‌های مالی و خروج سرمایه از

با این توصیف، واژه پولشویی در مقام لغت نه تنها ناظر بر یک معنا یا تصویر صرفاً زبانی است، بلکه بار مفهومی سنگینی از دیدگاه حقوق کیفری، حقوق اقتصادی و مقررات بانکی در خود دارد. این واژه توانسته به خوبی بار جرم‌انگاری این پدیده را به مخاطب منتقل کند.

عناصر و مراحل ارتکاب جرم پولشویی

عنصر قانونی به عنوان نخستین رکن از عناصر تشکیل‌دهنده هر جرم، به وجود قانون و مقررات مشخص و قابل اتکا برای تعریف و جرم‌انگاری عمل مجرمانه اشاره دارد. در جرم پولشویی، عنصر قانونی اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که ماهیت پیچیده و گسترده این جرم مستلزم تعریف دقیق و جامع در نظام‌های حقوقی مختلف است تا از ابهام در تفسیر و اجرای قانون جلوگیری شود. در حقوق کیفری ایران، تعریف جرم پولشویی و عنصر قانونی آن ابتدا در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ مورد توجه قرار گرفت. این قانون ضمن تعیین مصادیق پولشویی، اقدامات و رفتارهایی را که تحت عنوان جرم شناخته می‌شوند، به طور مشخص تعریف کرده است. مطابق ماده یک این قانون، پولشویی عبارت است از «هر گونه اقدام برای مشروع جلوه دادن اموال یا دارایی‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم به دست آمده است» (قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶، ماده ۱). عنصر قانونی در این جرم شامل دو بخش مهم است: نخست، تعریف دقیق جرم اصلی که منشأ درآمد‌های غیرقانونی است و دوم، تعریف و جرم‌انگاری فرایند پولشویی به عنوان جرم مستقل. در این راستا، توجه به این نکته ضروری است که قانونگذار در قانون مبارزه با پولشویی، علاوه بر جرم‌انگاری رفتارهای مشخص، نهادهای مالی و پولی را موظف به اجرای الزامات نظارتی و گزارش‌دهی کرده است که خود سازوکاری مهم برای پیشگیری و کشف جرم است (Al-Nuaimi, 2023). از منظر حقوق کیفری، عنصر قانونی باید به

¹ FATF

کشور خواهد شد. این امر به نوبه خود باعث افزایش هزینه‌های نظارتی و کنترل می‌شود؛ زیرا بانک‌ها ناچارند منابع مالی و انسانی بیشتری را صرف شناسایی و مقابله با عملیات پولشویی کنند که این خود فشار مضاعفی بر سیستم مالی وارد می‌آورد (Nikukar, 2023b; Noorbek, 2023). به علاوه، وجود پولشویی در سیستم بانکی باعث بروز ناکارآمدی در تخصیص منابع می‌گردد. منابع مالی به جای آنکه به فعالیت‌های تولیدی و توسعه‌ای تخصیص یابند، در چرخه فعالیت‌های غیرقانونی، پوششی و سوداگرانه به کار گرفته می‌شوند. این وضعیت رشد اقتصادی را با مشکلات جدی مواجه ساخته و به بروز رکود و بحران‌های اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، پولشویی به عنوان عاملی تشدیدکننده فساد مالی و اداری، سلامت اقتصادی کشور را به خطر می‌اندازد و اثرات سوء بر عملکرد نهادهای حکومتی و سیاست‌های کلان اقتصادی دارد (Pourmohammadi, 2021). در چارچوب قوانین داخلی، به ویژه قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، مقابله با پیامدهای اقتصادی پولشویی از طریق تقویت نظارت‌های مالی، الزام نهادهای پولی به اجرای فرایندهای شناسایی دقیق مشتریان و رصد مستمر تراکشن‌های مشکوک مورد توجه قرار گرفته است. این اقدامات موجب تقویت اعتماد عمومی، افزایش شفافیت مالی و کاهش هزینه‌های نظارتی شده و به حفظ سلامت و ثبات ساختارهای مالی کمک می‌کند (Pourmohammadi, 2020). یکی از پیامدهای مهم این جرم، تضعیف فضای رقابت عادلانه در بازارهای اقتصادی است، زیرا ورود منابع مالی ناشی از جرایم سازمان‌یافته و فعالیت‌های غیرقانونی باعث ایجاد برتری ناعادلانه برای برخی افراد و شرکت‌ها می‌شود. این امر منجر به تحریف قواعد بازی اقتصادی و ایجاد محیطی ناسالم برای فعالیت کسب‌وکارهای قانونی و پاک می‌گردد (Mahmoudi, 2020a, 2020b). از سوی دیگر، پولشویی زمینه را برای ورود سرمایه‌های کثیف و مشکوک به

بازارهای اقتصادی فراهم می‌آورد که معمولاً با انگیزه‌های غیرمولد و سوداگرانه همراه است و موجب کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری‌های سالم و بلندمدت می‌شود. این مسأله باعث می‌گردد سرمایه‌گذاران مشروع به دلیل افزایش ریسک‌ها و کاهش شفافیت بازار، تمایل کمتری به ورود و نگهداری سرمایه در اقتصاد کشور داشته باشند (Rostami, 2019b). پولشویی همچنین به تشدید بی‌ثباتی اقتصادی کمک می‌کند و از آنجایی که منابع مالی ناشی از این جرم به طور غیرشفاف و در چرخه‌های پنهانی گردش می‌یابند، نظارت موثر بر جریان سرمایه و تخصیص بهینه آن با مشکل مواجه می‌شود. این وضعیت، رشد اقتصادی را مختل ساخته و توسعه پایدار را به مخاطره می‌اندازد (Sharifi, 2021). از منظر حقوقی، تضعیف رقابت‌پذیری اقتصادی ناشی از پولشویی، یکی از چالش‌های مهم برای قانون‌گذاران است که با وضع مقررات سخت‌گیرانه، ایجاد شفافیت در بازارهای مالی و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند تا از این تخلفات جلوگیری کنند. همچنین، بهبود سازوکارهای نظارتی و افزایش آموزش کارکنان بخش‌های مالی و اقتصادی از جمله راهکارهای مهم برای مقابله با اثرات منفی پولشویی بر فضای سرمایه‌گذاری و رقابت اقتصادی است (قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶، ماده ۱۲).

پیامدهای سیاسی و امنیتی

پولشویی، فرایندی است که نه تنها پیامدهای اقتصادی و مالی گسترده‌ای به همراه دارد، بلکه تأثیرات عمیق و پیچیده‌ای بر ساختارهای سیاسی و امنیتی کشورها نیز برجای می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاسی و امنیتی پولشویی، تشدید فساد اداری و بی‌ثباتی حاکمیتی است. ورود منابع مالی ناشی از فعالیت‌های مجرمانه به چرخه اقتصادی، به ویژه هنگامی که از طریق شبکه‌های مالی پیچیده و پنهان صورت می‌گیرد، باعث می‌شود فساد در سطوح مختلف دستگاه‌های دولتی گسترش یابد و نهادهای حکومتی در معرض نفوذ و کنترل گروه‌های مافیایی و مجرمان

شمار می‌رود، چرا که وجوه حاصل از پولشویی به عنوان منبع مالی کلیدی برای حمایت، سازماندهی و انجام فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های تروریستی به کار گرفته می‌شود (Kazemi, 2021). پولشویی به گروه‌های تروریستی امکان می‌دهد که منابع مالی خود را به صورت نامحسوس و بدون جلب توجه نهادهای امنیتی و مالی به کار گیرند. این امر موجب می‌شود که توان عملیاتی این گروه‌ها افزایش یابد و دامنه فعالیت‌های آنها فراتر از مرزهای ملی گسترش یابد (Mousavi, 2023).

مبانی حقوقی و فلسفی مقابله با پولشویی

در نظام‌های حقوقی معاصر، اصل مشروعیت یکی از اصول بنیادین و اساسی در جرم‌انگاری به شمار می‌آید که بر ضرورت وجود پیش‌بینی قانونی روشن و دقیق برای تعریف هر جرم تأکید دارد. این اصل به معنای آن است که هیچ عملی را نمی‌توان مجازات کرد مگر آنکه پیش‌تر در قانون به طور صریح و مشخص جرم‌انگاری شده باشد. بدین ترتیب، پیش‌بینی قانونی دقیق و شفاف، حق دسترسی به قانون و اطمینان حقوقی را برای افراد جامعه تضمین می‌کند و از اعمال سلیقه‌ای و خودسرانه جلوگیری می‌نماید (Karimi, 2021). در زمینه مقابله با پولشویی، رعایت اصل مشروعیت اهمیت دوچندان می‌یابد، زیرا ماهیت پیچیده و فرار مالیاتی این جرم، ضرورت وجود تعاریف روشن، جامع و دقیق را ایجاب می‌کند. تعریف قانونی پولشویی باید به گونه‌ای باشد که هم بتواند تمامی وجوه این پدیده را پوشش دهد و هم در عین حال، ابهام و تفسیرهای گسترده و متضاد را به حداقل برساند (Kamalipour, 2023). فلسفه وجودی این اصل، حمایت از حقوق بنیادین افراد در برابر قوانین کیفری است؛ به این معنا که افراد باید بتوانند رفتارهای ممنوعه را بشناسند و از پیامدهای حقوقی آن آگاه باشند. در صورت نبود تعریف قانونی روشن و دقیق، ممکن است افراد بدون اطلاع کافی در معرض مجازات قرار گیرند که این امر مغایر با اصول عدالت کیفری و حقوق بشر است.

سازمان‌یافته قرار گیرند (Najafi, 2019, 2020). فساد اداری که یکی از اصلی‌ترین عوامل تضعیف کارآمدی و مشروعیت نهادهای حاکمیتی است، به واسطه منابع مالی حاصل از پولشویی، ابزارهای مالی و اقتصادی لازم برای توسعه و تداوم خود را به دست می‌آورد. این امر موجب می‌شود که فساد به صورت سیستماتیک در ساختارهای اداری و حکومتی تثبیت شود و توان مقابله با آن کاهش یابد (Kazemi, 2021). بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی، پیامد طبیعی گسترش فساد ناشی از پولشویی است. هنگامی که مجرمان اقتصادی و مالی قادر به نفوذ در ارکان قدرت می‌شوند، ساختارهای حاکمیتی با چالش‌های جدی مواجه می‌گردند که می‌تواند به نارسایی‌های مدیریتی، کاهش اعتماد عمومی و حتی بحران‌های سیاسی منجر شود. این بی‌ثباتی، فضای مناسب برای فعالیت گروه‌های غیرقانونی و تروریستی را فراهم می‌کند و امنیت ملی کشورها را به مخاطره می‌اندازد (Mousavi, 2023). از منظر حقوقی، مقابله با پیامدهای سیاسی و امنیتی پولشویی نیازمند تدوین قوانین سخت‌گیرانه، ارتقاء نظام‌های نظارتی و همکاری‌های بین‌المللی قوی است تا زمینه نفوذ مجرمان در نهادهای دولتی و نظام سیاسی کاهش یابد. همچنین، افزایش شفافیت مالی و اداری و بهبود فرآیندهای پاسخگویی و حسابرسی می‌تواند به کاهش فساد و تقویت ثبات حاکمیتی کمک کند (قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶، ماده ۱۳). در نهایت، می‌توان گفت که پولشویی به واسطه ایجاد شبکه‌های مالی گسترده و پیچیده، زمینه‌ساز گسترش فساد اداری و به تبع آن بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی است که مقابله با آن مستلزم تلاش همگانی و هماهنگ نهادهای قضایی، نظارتی، امنیتی و مالی می‌باشد. پولشویی به عنوان یک فرآیند پیچیده مالی، نه تنها به مشروع‌نمایی وجوه ناشی از فعالیت‌های مجرمانه داخلی کمک می‌کند، بلکه به طور مستقیم با تأمین مالی گروه‌های تروریستی و سازمان‌های مجرم فراملی پیوند خورده است. این ارتباط، یکی از جدی‌ترین تهدیدات امنیتی و سیاسی برای کشورهای مختلف به

(Mirzaei, 2024). علاوه بر این، تعریف قانونی روشن و دقیق جرم پولشویی به نهادهای قضایی و انتظامی این امکان را می‌دهد که در فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها، معیارهای واحد و مشخصی داشته باشند و از تفسیرهای سلیقه‌ای و اختلاف‌افکنانه جلوگیری کنند. این موضوع در تضمین اجرای عدالت و حفظ اعتماد عمومی به نظام قضایی نقش کلیدی دارد (Kazemi, 2021).

کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا)

کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد، معروف به کنوانسیون مریدا، که در سال ۱۳۸۸ هجری شمسی (۲۰۰۹ میلادی) تصویب شد، به عنوان یک سند حقوقی مهم و بی‌سابقه در عرصه بین‌المللی، چارچوبی جامع و کارآمد برای مقابله با فساد مالی و اداری فراهم کرده است. این کنوانسیون، به ویژه بر دو اصل بنیادین و کلیدی «شفافیت» و «پاسخگویی» تأکید می‌کند که به عنوان ستون‌های اصلی هر نظام سالم حکومتی و مبارزه مؤثر با فساد شناخته می‌شوند. رعایت این اصول نه تنها به افزایش کارایی و سلامت نظام اداری منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز ارتقاء اعتماد عمومی و تقویت حاکمیت قانون است، که در نهایت امنیت و توسعه پایدار اجتماعی را تضمین می‌کند (Kazemi, 2021). شفافیت در معنای گسترده آن، به مفهوم فراهم آوردن دسترسی آزاد، سریع و بی‌طرفانه به اطلاعات مرتبط با فرآیندها، تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای نهادهای عمومی و بخش‌های مختلف اقتصادی است. این دسترسی نه تنها به نهادهای نظارتی و قضایی، بلکه به عموم مردم و رسانه‌ها نیز تسری می‌یابد، تا بتوانند به صورت مستمر و مؤثر، عملکرد مسئولان و دستگاه‌های دولتی را رصد و نقد کنند. بدین ترتیب، شفافیت، به عنوان ابزاری قدرتمند در پیشگیری از فساد، به کاهش زمینه‌های پنهان‌کاری، سوءاستفاده‌های مالی و اداری کمک شایانی می‌کند (Rahimi, 2019). از سوی دیگر، اصل پاسخگویی به معنای الزام تمامی مسئولان و کارکنان دستگاه‌های حکومتی به ارائه گزارش‌های دقیق و منظم درباره

عملکرد و تصمیمات خود به مراجع ذی‌صلاح و افکار عمومی است. این الزام به پاسخگویی، موجب می‌شود که مسئولان در برابر اعمال خود مسئول باشند و در صورت تخلف یا قصور، با مجازات‌ها و اقدامات اصلاحی مواجه شوند. پاسخگویی ضمن ارتقاء حس مسئولیت‌پذیری در ساختارهای حکومتی، زمینه‌ساز تقویت نظم حقوقی و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی می‌گردد (Najafi, 2019). همگرایی و تعامل میان شفافیت و پاسخگویی، بستری فراهم می‌آورد که در آن نهادهای حکومتی به طور مستمر تحت نظارت و ارزیابی قرار گرفته و از هرگونه فساد و سوءاستفاده جلوگیری می‌شود. این فرآیند همچنین موجب بهبود فضای کسب و کار، جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و ارتقاء عدالت اجتماعی می‌گردد، زیرا فضای سالم اقتصادی بدون فساد، محرک رشد و توسعه اقتصادی پایدار است (Mousavi, 2023). از نکات مهم دیگر در کنوانسیون مریدا، توجه به آموزش مستمر و ارتقاء ظرفیت‌های فنی و تخصصی نهادهای نظارتی و قضایی است. آموزش‌های تخصصی و آگاهی‌بخشی در سطوح مختلف، نقش حیاتی در افزایش توان مقابله با روش‌های نوین فساد دارد. بدون وجود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده، حتی بهترین قوانین نیز در عمل کارایی لازم را نخواهند داشت (Hosseini, 2023a, 2023b). همچنین، کنوانسیون بر ضرورت تدوین قوانین و مقررات داخلی منطبق با اصول شفافیت و پاسخگویی تأکید کرده و کشورهای عضو را ملزم می‌سازد که سازوکارهای نظارتی قوی، از جمله نهادهای مستقل بازرسی و رسیدگی به شکایات مردمی را ایجاد نمایند. این سازوکارها با فراهم آوردن بستر قانونی و نهادی، موجب تقویت فرهنگ مقابله با فساد در جامعه و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در بخش‌های عمومی می‌شود (Rahimi, 2023a). در مجموع، کنوانسیون مریدا با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی، چارچوبی استراتژیک و عملیاتی برای مقابله با فساد ارائه می‌دهد که به رغم پیچیدگی‌های

برای پیشگیری از ورود پول‌های غیرقانونی به سیستم مالی خود تدوین کنند. با وجود اهمیت این اقدامات، این نسل در برابر روش‌های نوین پولشویی و شیوه‌های پیچیده تر تأمین مالی تروریسم ناکافی بود (Nikukar, 2023a). با ظهور نسل دوم دستورالعمل‌ها، مقررات سخت‌گیرانه‌تری تصویب گردید که شامل گسترش دامنه اشخاص و نهادهای مشمول قانون، تقویت الزامات مشتری‌مداری و افزایش همکاری‌های بین‌دولتی بود. همچنین توجه ویژه‌ای به نحوه شناسایی مالک واقعی اشخاص حقوقی و سازوکارهای نظارتی مؤثر مبذول شد تا بتوان ریسک‌های ناشی از ساختارهای پیچیده مالی را کاهش داد (Kazemi, 2021). نسل سوم دستورالعمل‌ها با تمرکز بر هماهنگی بیشتر میان کشورهای عضو، تقویت نهادهای مبارزه با پولشویی و بهبود نظام‌های گزارش‌دهی مالی شکل گرفت. این نسل همچنین توجه ویژه‌ای به تأمین مالی تروریسم داشت و با اعمال چارچوب‌های قانونی دقیق‌تر، سعی در محدودسازی جریان‌های مالی مرتبط با تروریسم نمود (Rostami, 2019b). این روند تکاملی دستورالعمل‌ها بیانگر تلاش مستمر اتحادیه اروپا برای حفظ انسجام حقوقی، ارتقاء سطح پیشگیری و مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و همچنین هماهنگی با استانداردهای جهانی است. به‌روزرسانی‌های مکرر این دستورالعمل‌ها باعث شده است تا نظام حقوقی اروپا بتواند در مواجهه با تحولات پیچیده و روش‌های نوین پولشویی و جرایم مالی، واکنش سریع و مؤثری داشته باشد.

تعامل ایران با اسناد بین‌المللی

روند الحاق جمهوری اسلامی ایران به اسناد بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، طی سال‌های اخیر یکی از موضوعات مهم حقوقی و سیاسی کشور بوده است. این روند، به دلیل اهمیت مقابله با جرایم مالی در حفظ سلامت نظام اقتصادی و نیز تأثیرات گسترده بین‌المللی، مورد توجه جدی قرار گرفته و با هدف هماهنگی هر چه بیشتر با استانداردهای جهانی پیش رفته

اجتماعی و سیاسی، توانسته است اثرگذاری خود را در بسیاری از کشورها نشان دهد و به عنوان الگویی موفق برای اصلاحات ساختاری و فرهنگی در نظام‌های اداری مطرح گردد. این کنوانسیون، همراه با سایر اسناد بین‌المللی، راهکارهای مهمی برای ارتقاء سلامت اداری و کاهش جرایم مالی، از جمله پولشویی، ارائه می‌دهد که اجرای دقیق آن می‌تواند به حفظ عدالت، امنیت و توسعه پایدار در سطح ملی و بین‌المللی کمک شایانی نماید. کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) نقش بسیار مهم و اثرگذاری در کنترل و محدودسازی گردش مالی مشکوک در نظام‌های مالی و اداری کشورهای عضو ایفا می‌کند. این کنوانسیون با وضع مقررات جامع و الزام‌آور، تلاش دارد تا از طریق تقویت شفافیت، افزایش پاسخگویی و ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد، جریان وجوه ناشی از فساد و فعالیت‌های مجرمانه را شناسایی و مهار نماید. کنترل گردش مالی مشکوک از جمله راهبردهای اساسی در پیشگیری از پولشویی و تضعیف بنیان‌های فساد اقتصادی است که کنوانسیون مریدا به طور ویژه به آن توجه کرده است (Rahimi, 2023b).

دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با پولشویی

دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با پولشویی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین و جامع‌ترین چارچوب‌های حقوقی در سطح منطقه‌ای، طی چند نسل متوالی به‌روز و تکامل یافته‌اند تا پاسخگوی تغییرات پیچیده و رو به رشد جرایم مالی و پولشویی باشند. این دستورالعمل‌ها که مبنای اصلی نظام مبارزه با پولشویی در کشورهای عضو اتحادیه را تشکیل می‌دهند، با هدف ایجاد استانداردهای هماهنگ و مؤثر، موجب تقویت همبستگی حقوقی و نهادی در سراسر اروپا شده‌اند (Mirzaei, 2024). نسل اول دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا عمدتاً بر پایه الزامات اولیه شناسایی مشتری (مشتری‌مداری) و گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک طراحی شد و کشورهای عضو را ملزم ساخت تا قوانین پایه‌ای

استانداردهای جهانی شده است، هرچند این فرآیند همچنان در حال تکمیل و اصلاح می‌باشد

چالش‌ها و موانع اجرای اسناد جهانی در نظام حقوقی داخلی

اجرای اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با پولشویی در نظام حقوقی داخلی جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است که یکی از مهم‌ترین آنها ملاحظات حاکمیتی و امنیتی می‌باشد. این ملاحظات ناشی از دغدغه‌های مربوط به حفظ استقلال و حاکمیت ملی، تأمین امنیت داخلی و مقابله با تهدیدات فرامرزی است که باعث شده است کشور در پذیرش کامل و بی‌قید و شرط برخی از مفاد اسناد بین‌المللی احتیاط بیشتری به خرج دهد (Kazemi, 2021). حاکمیت ملی به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و سیاست‌های داخلی، ایجاب می‌کند که هر کشوری در پذیرش تعهدات بین‌المللی دقت و محافظه‌کاری لازم را داشته باشد تا منافع و امنیت ملی آن حفظ شود. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران نسبت به برخی از تعهدات بین‌المللی که ممکن است زمینه دخالت خارجی در امور داخلی یا نقض حریم خصوصی و امنیت کشور را فراهم سازد، نگرانی‌هایی مطرح کرده است (Mousavi, 2023). از سوی دیگر، مسائل امنیتی نیز به ویژه در شرایط حساس منطقه‌ای و جهانی، عامل مهمی در محدود کردن دامنه همکاری‌های بین‌المللی ایران در حوزه مبارزه با پولشویی محسوب می‌شود. ترس از سوءاستفاده اطلاعات مالی و بانکی توسط نهادهای خارجی یا سوءاستفاده‌های احتمالی علیه منافع کشور، باعث شده است که نهادهای تصمیم‌گیر و نظارتی با احتیاط عمل کنند (Najafi, 2019, 2020). این ملاحظات موجب شده است که برخی بندهای اسناد بین‌المللی به صورت کامل یا با شرایط خاصی در قوانین و مقررات داخلی ایران منعکس شوند. به عبارت دیگر، ایران در روند اجرای تعهدات خود، تلاش دارد تعادلی منطقی میان همکاری‌های بین‌المللی و حفظ حاکمیت و امنیت ملی برقرار کند تا از بروز چالش‌های

است (Karimi, 2021). ایران از اواخر دهه ۱۳۸۰ با پذیرش ضرورت همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه، تلاش‌هایی را برای پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی آغاز کرد. این اقدام‌ها عمدتاً در قالب بررسی و تصویب قوانینی بود که با اصول و الزامات کنوانسیون‌های شناخته‌شده مانند کنوانسیون وین ۱۹۸۸ و کنوانسیون پالرمو همخوانی داشته باشند (Kamrani, 2020). یکی از مراحل کلیدی در این روند، تصویب قوانین داخلی متناسب با تعهدات بین‌المللی بود که نیازمند هماهنگی میان قوای مختلف کشور، از جمله مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و دستگاه‌های اجرایی بود. این هماهنگی‌ها به منظور ایجاد چارچوب حقوقی لازم برای اجرایی‌کردن مفاد اسناد بین‌المللی صورت گرفت و موجب شد تا قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در نظام حقوقی ایران تکمیل و اصلاح شوند (Mousavi, 2023). با این حال، فرآیند الحاق ایران به این اسناد بین‌المللی با چالش‌ها و موانعی نیز روبرو بوده است که بخشی از آن به مسائل سیاسی و نگرانی‌های امنیتی مربوط می‌شود. این موانع باعث شده‌اند که روند تصویب و اجرایی‌سازی برخی از اسناد با تأخیر مواجه شود و برخی محدودیت‌ها در همکاری‌های بین‌المللی باقی بماند (Kazemi, 2021).

علاوه بر این، ایران تلاش کرده است با حفظ استقلال حقوقی و منافع ملی خود، مفاد اسناد بین‌المللی را با مقتضیات داخلی هماهنگ سازد و سازوکارهایی برای اجرای مؤثر آنها در چارچوب نظام حقوقی کشور طراحی نماید. این رویکرد به گونه‌ای بوده است که ضمن پایبندی به تعهدات بین‌المللی، از تجاوز احتمالی به حاکمیت ملی جلوگیری کند (Ghasemi, 2019b). در مجموع، روند الحاق جمهوری اسلامی ایران به اسناد بین‌المللی مبارزه با پولشویی، ترکیبی از تلاش‌های حقوقی، سیاسی و فنی بوده که به تدریج باعث همسویی بیشتر نظام حقوقی ایران با

بتواند پوشش گسترده‌ای در مبارزه با پولشویی داشته باشد. این ساختار چندسطحی و شبکه‌ای امکان هماهنگی و تبادل اطلاعات بین کشورها را بهبود بخشیده و اجرای توصیه‌های FATF را تسهیل می‌کند (Rostami, 2019b). از ویژگی‌های مهم ساختار FATF وجود کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی است که به بررسی موضوعات خاص مانند تأمین مالی تروریسم، نظارت بر اجرای استانداردها و حمایت از ظرفیت‌سازی در کشورهای عضو می‌پردازند. این کمیته‌ها با گردآوری داده‌ها و تحلیل روندهای جهانی، سیاست‌های راهبردی گروه را شکل می‌دهند (Mahmoudi, 2020b). ساختار تصمیم‌گیری FATF بر اساس اجماع استوار است؛ به طوری که هر تصمیم مهم نیازمند توافق همه اعضا می‌باشد. این ویژگی باعث شده است که تصمیمات اتخاذ شده از مقبولیت و اعتبار بالایی برخوردار باشند و اعضا با انگیزه بیشتری به اجرای توصیه‌ها متعهد شوند (Rostami, 2019b). در نهایت، ترکیب اعضای FATF که شامل کشورهای پیشرفته با اقتصادهای بزرگ و همچنین نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی است، به این گروه قدرتی جهانی بخشیده و آن را به مرجعی اثرگذار در سیاست‌گذاری‌های مالی و امنیتی بدل ساخته است. این ساختار سازمانی نقش مهمی در ارتقای شفافیت مالی و مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی ایفا می‌کند.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، به عنوان دو نهاد مهم مالی بین‌المللی، نقش اساسی در حمایت از ثبات اقتصادی و تقویت نظام‌های مالی کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این دو نهاد در زمینه مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم نیز با ارائه برنامه‌های نظارتی و حمایتی، بستر مناسبی برای ارتقای استانداردهای مالی و حقوقی فراهم آورده‌اند (Pourmohammadi, 2020). برنامه‌های نظارتی صندوق بین‌المللی پول بر ارزیابی سلامت مالی و اقتصادی کشورهای عضو

داخلی و خارجی پیشگیری نماید (Mousavi, 2023). علاوه بر این، ملاحظات حاکمیتی و امنیتی باعث ایجاد پیچیدگی‌هایی در روند تبادل اطلاعات مالی میان ایران و سایر کشورها شده است. محدودیت‌ها و مقررات خاصی برای دسترسی به داده‌ها و همکاری‌های بین‌المللی وضع شده است که گاه منجر به کندی و کاهش اثربخشی اقدامات مقابله‌ای می‌شود (Rasouli, 2023). در مجموع، این چالش‌ها ایجاب می‌کنند که نظام حقوقی ایران ضمن حفظ استقلال و امنیت خود، با اتخاذ راهکارهای هوشمندانه و منسجم، بتواند تعامل سازنده و متوازی با اسناد و نهادهای بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی برقرار کند و در عین حال از تهدیدهای بالقوه ناشی از همکاری‌های نامتوازن جلوگیری نماید.

نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه مقابله با پولشویی

گروه ویژه اقدام مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تخصصی بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، نقش برجسته‌ای در تدوین استانداردها و نظارت بر اجرای آنها در سطح جهانی ایفا می‌کند. این گروه در سال ۱۹۸۹ با هدف ارتقاء همکاری‌های بین‌دولتی برای مقابله با جرایم مالی تأسیس شد و از آن زمان تاکنون به یکی از مراجع کلیدی در حوزه تنظیم سیاست‌های مالی تبدیل شده است (Ghasemi, 2019b; Mahmoudi, 2020b). ساختار سازمانی FATF متشکل از اعضای اصلی که عمدتاً کشورهای توسعه یافته و اقتصادی مهم جهان هستند، به علاوه نمایندگان نهادهای بین‌المللی وابسته می‌باشد. اعضای این گروه شامل نمایندگان وزارتخانه‌های دارایی، بانک‌های مرکزی، و سازمان‌های نظارتی مالی کشورهای عضو است که با همکاری یکدیگر استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی را تدوین و به‌روزرسانی می‌کنند (Rostami, 2019b). علاوه بر کشورهای عضو، FATF از همکاری‌های نزدیک با سازمان‌های منطقه‌ای و گروه‌های تخصصی دیگر بهره می‌برد تا

تمرکز دارد که شامل بررسی نظام‌های بانکی، سیستم‌های پرداخت و مکانیزم‌های کنترل ریسک می‌شود. این ارزیابی‌ها به شناسایی آسیب‌پذیری‌ها در برابر پولشویی و جرائم مالی کمک کرده و توصیه‌هایی را برای اصلاح ساختارها ارائه می‌دهد (Rahmani, 2024). بانک جهانی نیز با ارائه کمک‌های فنی و مالی، کشورها را در تقویت ظرفیت‌های نظارتی و اجرایی خود یاری می‌کند. این کمک‌ها شامل آموزش نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و پشتیبانی از ایجاد واحدهای اطلاعات مالی است که به بهبود کیفیت گزارش‌دهی و تحلیل تراکنش‌های مالی منجر می‌شود (Jafari, 2024a). از دیگر برنامه‌های حمایتی این نهادها، همکاری در تدوین قوانین و مقررات متناسب با استانداردهای بین‌المللی است که موجب همسویی قوانین داخلی با توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی می‌شود. این هماهنگی قانونی، زمینه را برای افزایش شفافیت مالی و کاهش زمینه‌های سوءاستفاده فراهم می‌آورد (Jafari, 2024b). همچنین، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به تبادل تجربیات موفق و استانداردسازی روش‌های مبارزه با پولشویی کمک می‌کنند. این همکاری‌ها باعث می‌شود کشورهای عضو با بهره‌گیری از تجارب یکدیگر، برنامه‌های خود را بهبود بخشند و در مقابل جرائم مالی مقاومت بیشتری نشان دهند (Rahimi, 2023b).

• نقش سایر نهادهای نظارتی و اجرایی

در نظام حقوقی ایران، نقش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر دستگاه‌های مالی در مقابله با پولشویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نهادها به‌عنوان خط مقدم شناسایی، پیشگیری و گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک مالی، نقش کلیدی در کشف و کاهش دامنه این جرم سازمان‌یافته دارند. جایگاه و وظایف این نهادها به‌صورت مشخص در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی تعریف شده است. اولاً، بانک مرکزی

به‌عنوان نهاد ناظر بر نظام بانکی کشور، مسئول تدوین دستورالعمل‌های فنی و نظارتی در حوزه احراز هویت مشتریان، بررسی تراکنش‌های مالی غیرعادی و الزام مؤسسات مالی به اجرای ضوابط مقابله با پولشویی است (Ghasemi, 2019a, 2019b). این نهاد با بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیکی پیشرفته، امکان شناسایی فعالیت‌های مشکوک را فراهم ساخته و از طریق واحد مبارزه با پولشویی بانک مرکزی، گزارش‌های لازم را به واحد اطلاعات مالی ارسال می‌کند. دستگاه‌های مالی شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه، صرافی‌ها و کارگزاری‌های بورس نیز موظف‌اند بر اساس مقررات مصوب، نسبت به شناسایی، ثبت و گزارش‌دهی معاملات مشکوک اقدام نمایند. این شناسایی بر مبنای الگوهای رفتاری تعریف شده در دستورالعمل‌ها صورت می‌گیرد و هرگونه تراکنش نامتعارف یا فاقد توجیه اقتصادی، مشمول گزارش‌دهی است (Najafi, 2019, 2020). نقش بانک مرکزی فراتر از نظارت صرف است و این نهاد همچنین مسئول آموزش مستمر کارکنان نظام بانکی در زمینه مقابله با پولشویی است تا آگاهی و مهارت لازم در تشخیص و برخورد با موارد مشکوک تقویت شود. این آموزش‌ها به‌صورت دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های عملی اجرا می‌شوند (Mahmoudi, 2020a, 2020b). در کنار وظایف فوق، بانک مرکزی موظف است گزارش‌های دوره‌ای و آماری مربوط به فعالیت‌های مشکوک دریافت شده از بانک‌ها و مؤسسات مالی را به شورای عالی مقابله با پولشویی ارائه دهد تا امکان ارزیابی کلی وضعیت و اتخاذ تصمیمات کلان فراهم آید (Rostami, 2019a, 2019b). از سوی دیگر، دستگاه‌های مالی با دارا بودن سیستم‌های کنترل داخلی، پایش تراکنش‌ها و نظارت مستمر، نقش مهمی در ممانعت از ورود وجوه حاصل از جرم به چرخه اقتصادی رسمی دارند. این دستگاه‌ها همچنین موظف به نگهداری سوابق مشتریان و تراکنش‌ها به مدت مشخص شده در قانون هستند که این امر به

تحقیقات مشترک و بازپس‌گیری اموال ناشی از جرایم مالی، از دیگر ضرورت‌های اصلاحی است که می‌تواند موجب تقویت جایگاه ایران در نظام مالی جهانی شود (Soltani, 2020).

جایگاه نظام بانکی در فرآیند مقابله با پولشویی

بانک‌ها در نظام اقتصادی هر کشور جایگاه ویژه‌ای دارند و به‌عنوان مهم‌ترین واسطه‌های مالی، وظیفه هدایت منابع پولی جامعه را بر عهده گرفته‌اند. این نهادها از یک طرف وجوه مازاد اشخاص حقیقی و حقوقی را جذب کرده و به‌صورت سپرده‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت و جاری نگهداری می‌کنند، و از طرف دیگر این منابع را در قالب اعطای تسهیلات و اعتبارات در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. بدین ترتیب، بانک‌ها پلی میان صاحبان سرمایه و نیازمندان به منابع مالی ایجاد کرده و فرآیند گردش پول در اقتصاد ملی را تسهیل می‌کنند. همین کارکرد واسطه‌گری مالی، اگرچه در ظاهر سبب تحرک اقتصادی و رونق سرمایه‌گذاری می‌شود، اما در صورت فقدان کنترل‌های قانونی و نظارت‌های دقیق، می‌تواند بستری مناسب برای مقاصد غیرقانونی همچون پولشویی ایجاد نماید (Hosseini, 2024b). ماهیت عملیات بانکی از حیث تنوع و گستردگی، به‌گونه‌ای است که اشخاص فرصت‌های مختلفی برای ورود پول‌های کثیف به چرخه رسمی اقتصاد پیدا می‌کنند. افتتاح حساب‌های سپرده، انتقال وجوه میان حساب‌های داخلی و بین‌المللی، صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی، استفاده از حواله‌های بین‌بانکی و خدمات ارزی، همگی ابزارهایی هستند که در عین کارکرد مشروع، می‌توانند برای تطهیر سرمایه‌های ناشی از جرایم سازمان‌یافته به کار گرفته شوند. به‌عنوان نمونه، فردی که از طریق قاچاق مواد مخدر یا ارتکاب جرایم اقتصادی درآمد نامشروع به دست آورده است می‌تواند آن را از طریق سپرده‌گذاری در بانک، انتقال به حساب‌های مختلف و سپس ادغام در فعالیت‌های اقتصادی ظاهراً قانونی، به پول مشروع تبدیل نماید (Mousavi, 2023). از منظر حقوق عمومی، بانک‌ها نهادهایی

ایجاد شفافیت و امکان ردیابی در صورت بروز سوءظن کمک می‌کند (Hosseini, 2024a, 2024b). شایان ذکر است که عدم انجام وظایف مذکور توسط بانک مرکزی یا مؤسسات مالی می‌تواند موجب مجازات‌های انتظامی، مالی و کیفری گردد. به‌طور خاص، کارکنانی که در گزارش‌دهی یا شناسایی کوتاهی کنند، مشمول مسئولیت انضباطی و قضایی خواهند بود (Abbasi, 2024a, 2024b).

پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار حقوقی ایران

برای ارتقاء تطابق نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، اصلاح تقنینی و هماهنگی دقیق با توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ضروری است. این اصلاحات باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ استقلال و منافع ملی، بستر لازم برای همکاری‌های بین‌المللی و افزایش شفافیت مالی فراهم گردد. نخست، لازم است قوانین موجود در زمینه مبارزه با پولشویی بازنگری و به‌روزرسانی شوند تا خلأهای قانونی موجود، به ویژه در حوزه جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، پوشش داده شود. تصویب قوانینی جامع و دقیق در این زمینه، می‌تواند پاسخگوی الزامات توصیه‌های FATF باشد و ضمانت اجرای مؤثری برای تعقیب مجرمان فراهم آورد (Sharifi, 2021). دوم، هماهنگی میان قوانین مختلف از جمله قانون مبارزه با پولشویی، قوانین بانکی و مقررات مربوط به نهادهای مالی باید افزایش یابد تا از تضادهای قانونی و اجرایی جلوگیری شود و فرآیندهای نظارتی به صورت یکپارچه و کارآمد اجرا شوند (Kamrani, 2020). سوم، توسعه مقررات مرتبط با شفافیت مالی، گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک و حفظ سوابق مالی ضروری است تا نظام مالی کشور بتواند به سرعت و دقت لازم نسبت به فعالیت‌های غیرقانونی واکنش نشان دهد (Mirzaei, 2019). چهارم، ایجاد سازوکارهای حقوقی مشخص برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تبادل اطلاعات،

هستند که اعتماد عمومی بر آنها استوار است. بنابراین، هرگونه خلل در کارکرد شفاف و سالم آنها می‌تواند آثار مخربی بر نظم اقتصادی و حتی امنیت ملی برجای گذارد. هنگامی که بانک‌ها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فرایند پولشویی دخالت داده می‌شوند، اعتماد عمومی به نظام بانکی کاهش می‌یابد و این امر منجر به افزایش سرمایه‌گذاری‌های غیررسمی و کاهش تمایل مردم به سپرده‌گذاری در بانک‌ها خواهد شد. چنین وضعیتی در نهایت می‌تواند چرخه تولید ملی را مختل کند و موجب تضعیف کارکرد سیاست‌های پولی و مالی دولت شود (Karimi, 2021). در حوزه حقوق کیفری نیز قانون‌گذار برای پیشگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی، بانک‌ها را به رعایت تکالیف مشخصی ملزم کرده است. مهم‌ترین این تکالیف عبارت‌اند از: احراز هویت مشتریان در زمان افتتاح حساب یا انجام تراکنش‌های مالی، بررسی منشأ وجوهی که وارد سیستم بانکی می‌شود، ثبت و ضبط دقیق عملیات بانکی و گزارش فوری تراکنش‌های مشکوک به مراجع ذی‌صلاح. چنانچه بانک‌ها در انجام این تکالیف قصور ورزند، نه تنها زمینه ارتکاب پولشویی را تسهیل کرده‌اند، بلکه خود می‌توانند به‌عنوان شریک یا معاون جرم تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. به همین دلیل، در بسیاری از پرونده‌های کیفری مرتبط با پولشویی، رد پای بانک‌ها و کارکنان آنها به چشم می‌خورد و این امر نشان‌دهنده حساسیت بالای نقش واسطه‌گری مالی در این حوزه است (جعفری، ۱۴۰۰: ص ۱۲۵). از سوی دیگر، تجربه‌های عملی نشان داده است که مجرمان به‌طور خاص بانک‌ها را به دلیل پوشش مشروعیت فعالیت‌هایشان انتخاب می‌کنند. زیرا نظام بانکی از دید افکار عمومی و مراجع نظارتی، نهادی رسمی و معتبر تلقی می‌شود. بنابراین، هرگونه انتقال وجوه از مسیر بانک، در ظاهر مشروعیت یافته و ردیابی منشأ غیرقانونی آن دشوارتر خواهد بود. این ویژگی باعث شده است بانک‌ها در ادبیات حقوقی و جرم‌شناسی به‌عنوان «نقطه آغازین فرآیند پولشویی» معرفی شوند؛ زیرا نخستین مرحله

از ورود پول‌های نامشروع به سیستم اقتصادی اغلب از طریق سپرده‌گذاری یا تراکنش‌های بانکی صورت می‌گیرد (Mousavi, 2023). با توجه به این ابعاد، می‌توان گفت کارکرد واسطه‌ای بانک‌ها دارای دو چهره متفاوت است. در چهره مثبت، بانک‌ها عامل سامان‌دهی گردش پول، ایجاد رونق اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی هستند. اما در چهره منفی، در صورت ضعف نظارت و کنترل، همین کارکرد می‌تواند به یکی از کارآمدترین ابزارهای تطهیر پول‌های نامشروع تبدیل شود. بدین ترتیب، نقش بانک‌ها در اقتصاد مدرن نقشی دوگانه است که از یک سو موتور محرک اقتصاد و از سوی دیگر تهدیدی بالقوه برای سلامت نظام مالی محسوب می‌شود.

این دوگانگی ایجاب می‌کند که مقررات حقوقی و نظارتی با دقت بیشتری تدوین و اجرا شود تا ضمن بهره‌گیری از کارکردهای مثبت بانک‌ها، از کارکردهای منفی آن در حوزه پولشویی پیشگیری گردد.

مسئولیت بانک‌ها در پیشگیری و کشف پولشویی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با پولشویی در نظام بانکی، الزام قانونی بانک‌ها به شناسایی دقیق مشتریان و نظارت بر معاملات مالی آنان است. این الزام که در حقوق بانکی از آن به‌عنوان اصل «شناخت مشتری» یاد می‌شود، به‌منظور جلوگیری از ورود وجوه نامشروع به چرخه رسمی اقتصاد پیش‌بینی شده است. به موجب این اصل، بانک‌ها موظف‌اند در زمان افتتاح حساب یا انجام تراکنش‌های مالی، هویت دقیق اشخاص را احراز کنند و از پذیرش وجوهی که منشأ آن‌ها مبهم یا غیرشفاف است خودداری نمایند (Jafari, 2024a, 2024b). وظایف قانونی بانک‌ها در این زمینه شامل چند بعد اساسی است. نخستین وظیفه، احراز هویت دقیق مشتری در بدو ورود به سیستم بانکی است. بدین معنا که بانک‌ها باید مدارک شناسایی معتبر دریافت کرده و صحت آن‌ها را از طریق سامانه‌های ملی کنترل کنند. این اقدام از سوءاستفاده مجرمان برای افتتاح حساب‌های متعدد با هویت جعلی جلوگیری

می‌کند. دومین وظیفه، پایش مداوم حساب‌ها و تراکنش‌های مالی مشتریان است. بانک‌ها نمی‌توانند صرفاً به احراز هویت اولیه بسنده کنند، بلکه باید در طول زمان بر گردش مالی مشتریان نظارت کرده و در صورت مشاهده هرگونه تراکنش نامتعارف یا غیرعادی، آن را به‌عنوان معامله مشکوک ثبت و گزارش دهند (Hosseini, 2024a, 2024b). از نظر حقوق کیفری، قانون‌گذار در قوانین مبارزه با پولشویی، بانک‌ها را مکلف کرده است که تراکنش‌هایی را که از لحاظ مبلغ، تواتر یا ماهیت غیرعادی به نظر می‌رسند، بدون فوت وقت به واحدهای نظارتی و مراجع ذی‌صلاح گزارش دهند. این تکلیف قانونی نه تنها بانک‌ها را به نهادهای اقتصادی صرف تبدیل نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌عنوان «خط مقدم» مقابله با پولشویی معرفی می‌نماید. در واقع، شناسایی و گزارش معاملات مشکوک، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کشف زود هنگام جریان‌های مالی غیرقانونی است (Nikukar, 2023b). بعد دیگر مسئولیت بانک‌ها، ثبت و نگهداری دقیق اطلاعات مربوط به تراکنش‌هاست. بانک‌ها موظف‌اند سوابق مالی مشتریان را برای مدت مشخصی نگهداری کنند تا در صورت نیاز مراجع قضایی و نهادهای نظارتی بتوانند از آن‌ها استفاده نمایند. عدم انجام این تکلیف می‌تواند موجب مسئولیت انتظامی و حتی کیفری بانک و مدیران آن شود، چرا که قصور در نگهداری اطلاعات عملاً به معنای فراهم‌سازی بستر برای مجرمان جهت پنهان‌سازی منشأ وجوه خواهد بود (Sadeghi, 2020). از منظر اقتصادی و اجتماعی نیز این وظایف اهمیت فراوانی دارد. زیرا اگر بانک‌ها در شناسایی مشتریان و معاملات مشکوک دقت نکنند، اعتماد عمومی به نظام مالی تضعیف شده و سرمایه‌گذاران تمایلی به نگهداری وجوه خود در بانک‌ها نخواهند داشت. چنین وضعیتی نه تنها موجب گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌شود، بلکه به بی‌ثباتی مالی و افزایش تورم نیز دامن می‌زند. بنابراین، اجرای دقیق این تکالیف علاوه بر جنبه حقوقی و کیفری، در راستای حفظ سلامت نظام اقتصادی نیز

ضروری است (Karimi, 2021). در عمل نیز تجربه نشان داده است که بانک‌ها نقش کلیدی در کشف و پیشگیری از پولشویی دارند. بسیاری از پرونده‌های بزرگ مالی در سطح ملی و بین‌المللی از طریق گزارش معاملات مشکوک توسط بانک‌ها افشا شده‌اند. این موضوع بیانگر آن است که شناسایی به‌موقع مشتری و رصد دقیق تراکنش‌ها نه تنها یک وظیفه قانونی، بلکه ابزاری کارآمد برای مبارزه عملی با جرایم مالی است. بنابراین، می‌توان گفت که مسئولیت بانک‌ها در شناسایی مشتریان و گزارش معاملات مشکوک، یکی از ارکان اصلی نظام حقوقی مبارزه با پولشویی به شمار می‌رود

راهکارهای پیشنهادی برای ارتقاء سازوکارهای مقابله با پولشویی

تقویت ظرفیت حقوقی و آموزشی بانک‌ها و کارکنان به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای ارتقاء سازوکارهای مقابله با پولشویی، نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است که هم بعد حقوقی و هم بعد عملیاتی را پوشش دهد. از منظر حقوقی، ظرفیت حقوقی بانک‌ها شامل توانایی درک کامل و اجرای دقیق الزامات قانونی، تدوین دستورالعمل‌های داخلی منطبق با مقررات ملی و بین‌المللی، ایجاد ساختارهای پاسخگو و تضمین مستندسازی فرآیندهای داخلی است. فقدان ظرفیت حقوقی کافی باعث می‌شود بانک‌ها و مدیران آن‌ها در مواجهه با نهادهای نظارتی و قضایی دچار خلأ دفاعی شوند و در صورت کوتاهی یا تخلف، مسئولیت کیفری و مدنی آن‌ها به شدت افزایش یابد. به عنوان مثال، عدم رعایت مفاد قانون مبارزه با پولشویی و دستورالعمل‌های مرکز اطلاعات مالی ممکن است موجب تأخیر در گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک و فقدان شواهد مستند شود و بانک را در معرض دعاوی قضایی قرار دهد (Kazemi, 2021). در کنار ظرفیت حقوقی، بعد آموزشی به عنوان مکمل ضروری مطرح است. کارکنان بانک‌ها باید در تمامی سطوح از آگاهی کامل نسبت به قوانین داخلی و

الزامات بین‌المللی برخوردار باشند و توانایی تحلیل ریسک، شناسایی تراکنش‌های مشکوک، تشخیص الگوهای غیرمعمول و استفاده از فناوری‌های نوین را داشته باشند. برنامه‌های آموزشی باید مستمر و به‌روز باشند تا کارکنان با تغییرات مقررات و روندهای نوین پولشویی هماهنگ شوند. فقدان آموزش کافی می‌تواند منجر به خطاهای انسانی در تحلیل تراکنش‌ها، تأخیر در گزارش‌دهی و کاهش اثربخشی اقدامات پیشگیرانه شود و این امر به شکل مستقیم ریسک حقوقی و عملیاتی بانک‌ها را افزایش می‌دهد (Mahmoudi, 2020a).

نتیجه‌گیری

سازوکارهای حقوقی پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران مبتنی بر مجموعه‌ای جامع از قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های نهادی است که با هدف شناسایی، پیشگیری و مقابله با فعالیت‌های مالی غیرقانونی طراحی شده‌اند. محور اصلی این سازوکارها، قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۵ و اصلاحات بعدی آن است که بانک‌ها را ملزم به شناسایی مشتریان، پایش تراکنش‌ها و گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک به مرکز اطلاعات مالی می‌نماید و با جزئیات دقیق، مسئولیت مدیران و کارکنان بانک‌ها را در اجرای مقررات تعیین می‌کند. از منظر حقوقی، ظرفیت قانونی بانک‌ها شامل توانایی درک و اجرای دقیق الزامات قانونی، تدوین دستورالعمل‌های داخلی منطبق با مقررات ملی و بین‌المللی، ایجاد ساختارهای پاسخگو و تضمین مستندسازی کامل فرایندها است. ضعف در ظرفیت حقوقی بانک‌ها می‌تواند باعث کوتاهی در اجرای دستورالعمل‌های داخلی و مقررات ملی شود و مسئولیت مدنی و کیفری مدیران را افزایش دهد. برای نمونه، عدم رعایت مفاد قانون مبارزه با پولشویی و دستورالعمل‌های مرکز اطلاعات مالی می‌تواند تأخیر در گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک و فقدان شواهد مستند را به همراه داشته باشد و بانک و مدیران آن را در معرض دعاوی قضایی و اقدامات نظارتی قرار

دهد. یکی از جنبه‌های کلیدی این سازوکارها، هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و الزامات سازمان‌های پولی و مالی جهانی مانند FATF است. رعایت توصیه‌های FATF شامل ایجاد واحدهای مستقل تطبیق، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تحلیل تراکنش‌ها، توسعه برنامه‌های آموزش مستمر کارکنان و گزارش‌دهی منظم به نهادهای نظارتی است. این اقدامات نه تنها شفافیت و پاسخگویی بانک‌ها را ارتقا می‌دهند، بلکه خطر اقدامات تنبیهی بین‌المللی و محدودیت‌های تعاملات بانکی خارجی را کاهش می‌دهند. سازوکارهای پیشگیری از پولشویی در ایران مجموعه‌ای از فرایندهای نظارتی، آموزشی و فناوری را در بر می‌گیرند. تقویت ظرفیت حقوقی و آموزشی بانک‌ها و کارکنان، توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش‌های بانکی، ایجاد رویه‌های گزارش‌دهی مستند و مستقل و هماهنگی مستمر با نهادهای قضایی و امنیتی از جمله مهم‌ترین عناصر این سازوکارها هستند. اجرای هماهنگ این عناصر باعث می‌شود که بانک‌ها بتوانند تراکنش‌های مشکوک را به موقع شناسایی، تحلیل و گزارش کنند و پاسخگویی حقوقی خود را تقویت نمایند. در بعد آموزشی، بانک‌ها باید برنامه‌های آموزش مستمر کارکنان را طراحی کنند که شامل تحلیل ریسک، شناسایی تراکنش‌های مشکوک، استفاده از فناوری‌های نوین و آشنایی کامل با حقوق و مسئولیت‌های قانونی باشد. آموزش مستمر موجب افزایش دقت، کاهش خطاهای انسانی و ارتقای پاسخگویی حقوقی بانک‌ها می‌شود و کارکنان را در مواجهه با شرایط پیچیده و تراکنش‌های غیرمعمول توانمند می‌سازد. در بعد فناوری، توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش‌ها شامل بهره‌گیری از پردازش داده‌های کلان، الگوریتم‌های شناسایی الگوهای مشکوک و هوش مصنوعی، امکان پایش مستمر تراکنش‌ها، ردیابی زنجیره تراکنش‌ها و ارائه هشدارهای فوری را فراهم می‌آورد. این سامانه‌ها موجب کاهش خطاهای انسانی، افزایش سرعت گزارش‌دهی و هماهنگی مؤثر با

نهادهای نظارتی می‌شوند و بانک‌ها را قادر می‌سازند که در کوتاه‌ترین زمان تراکنش‌های پرریسک را شناسایی و اقدامات اصلاحی را انجام دهند. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که موفقیت سازوکارهای پیشگیری و مقابله با پولشویی، نه تنها به وجود قوانین مناسب بلکه به نحوه اجرای آن‌ها، استقلال واحدهای تطبیق، کیفیت آموزش کارکنان و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند وابسته است. هر گونه کوتاهی در این حوزه‌ها می‌تواند مسئولیت مدنی و کیفری مدیران و کارکنان را به همراه داشته باشد و از منظر بین‌المللی نیز تعاملات مالی کشور را محدود کند. تجربه کشورهای اروپایی و بانک‌های پیشرفته نشان می‌دهد که استفاده از ترکیب ظرفیت حقوقی قوی، آموزش مستمر و سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش، موجب استقلال واحدهای تطبیق، کاهش تضاد منافع و افزایش هماهنگی با نهادهای نظارتی می‌شود. این اقدامات باعث افزایش اثربخشی مقابله با پولشویی و شفافیت عملکرد بانک‌ها و مدیران می‌گردد و تطبیق با استانداردهای FATF و دستورالعمل‌های AML را تسهیل می‌کند. برای پیاده‌سازی عملیاتی این سازوکارها، بانک‌ها می‌بایست اقدامات زیر را انجام دهند:

ایجاد واحدهای حقوقی و آموزشی مستقل با توانایی تحلیل حقوقی و ریسک

طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش مستمر کارکنان و مدیران توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش با قابلیت شناسایی الگوهای غیرمعمول و تراکنش‌های پرریسک ایجاد هماهنگی بین واحدهای عملیاتی، تطبیق و نهادهای نظارتی استانداردسازی داده‌ها و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها برای افزایش دقت و سرعت عملکرد طراحی سناریوهای شبیه‌سازی برای آموزش عملی کارکنان و مدیران مهم‌ترین الزامات سازمان‌های پولی و مالی جهانی در زمینه مبارزه با پولشویی مجموعه‌ای از استانداردها و توصیه‌های عملی و

حقوقی است که هدف اصلی آن پیشگیری از جریان سرمایه‌های غیرقانونی و ارتقای شفافیت در نظام‌های مالی است. این الزامات، بانک‌ها و مؤسسات مالی را ملزم می‌کند تا فرآیندهای شناسایی مشتریان، پایش مستمر تراکنش‌ها، تحلیل ریسک و گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک را به صورت دقیق و مستند اجرا کنند. از منظر حقوقی، این الزامات نه تنها بر وجوه مالی و اقتصادی تمرکز دارند، بلکه به وضوح مسئولیت مدیران و کارکنان بانک‌ها را در قبال رعایت قوانین و دستورالعمل‌ها مشخص می‌کنند و هر کوتاهی در اجرای آن‌ها می‌تواند به مسئولیت مدنی و کیفری منجر شود. ایجاد واحدهای مستقل تطبیق و کنترل داخلی، توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی برای شناسایی الگوهای پیچیده و تراکنش‌های غیرمعمول، و آموزش مستمر کارکنان، از مهم‌ترین ارکان این الزامات هستند. این رویکردها به بانک‌ها امکان می‌دهد که نه تنها به شکل پیشگیرانه با پولشویی مقابله کنند، بلکه در مواجهه با دعای قضایی و اقدامات نظارتی، شفافیت و مستندسازی لازم را داشته باشند. تحلیل حقوقی این الزامات نشان می‌دهد که تطبیق بانک‌ها با استانداردهای بین‌المللی صرفاً یک الزام قانونی نیست، بلکه یک ضرورت عملی و استراتژیک است که می‌تواند ریسک‌های حقوقی و مالی بانک‌ها را کاهش داده و اعتبار نظام بانکی کشور را در سطح ملی و بین‌المللی ارتقا دهد.

نظام حقوقی ایران تا حد زیادی در مسیر هم‌راستایی با استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی حرکت کرده است، اما چالش‌ها و شکاف‌های عملیاتی همچنان وجود دارد. قوانین داخلی، از جمله قانون مبارزه با پولشویی، بانک‌ها را ملزم به شناسایی مشتریان، پایش تراکنش‌ها و گزارش‌دهی فعالیت‌های مشکوک به مرکز اطلاعات مالی می‌کنند و چارچوب قانونی محکمی برای پیشگیری از پولشویی فراهم می‌آورند. از منظر حقوقی، این قوانین به وضوح مسئولیت مدیران و کارکنان بانک‌ها

بانکی فراهم کرده و زمینه را برای توسعه و ارتقای سازوکارهای مقابله با پولشویی در سطح ملی و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی فراهم می‌سازد.

در مجموع، تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که موفقیت در پیشگیری و مقابله با پولشویی در نظام بانکی ایران نیازمند ترکیب مؤثر قوانین داخلی، الزامات بین‌المللی، توسعه فناوری، آموزش مستمر کارکنان و هماهنگی نهادی است. تنها با اجرای همزمان این عناصر است که بانک‌ها می‌توانند تراکنش‌های مشکوک را به موقع شناسایی، اقدامات اصلاحی را انجام دهند، ریسک‌های حقوقی و مالی را کاهش دهند و جایگاه خود را در تطبیق کامل با استانداردهای جهانی تثبیت کنند. این فرآیند نه تنها یک الزام قانونی بلکه یک ضرورت عملی و راهبردی برای تقویت شفافیت، پاسخگویی و اعتبار نظام بانکی کشور است و تضمین می‌کند که بانک‌ها و مدیران آن‌ها در برابر چالش‌های داخلی و بین‌المللی در حوزه پولشویی توانمند و مسئولیت‌پذیر باقی بمانند.

پیشنهادهای

۱. **تقویت آموزش و ظرفیت حقوقی کارکنان و مدیران بانک‌ها**
یکی از نقاط ضعف نظام بانکی در مقابله با پولشویی، کمبود آموزش تخصصی و مستمر کارکنان است. پیشنهاد می‌شود بانک‌ها برنامه‌های آموزشی منظم و کاربردی طراحی کنند که شامل تحلیل تراکنش‌های مشکوک، شناسایی ریسک‌های حقوقی، آشنایی با دستورالعمل‌ها و الزامات بین‌المللی و استفاده از فناوری‌های نوین باشد. این اقدام موجب ارتقای دقت در شناسایی تراکنش‌ها، کاهش خطاهای انسانی و افزایش پاسخگویی حقوقی مدیران و کارکنان می‌شود و نقش مؤثری در کاهش ریسک‌های حقوقی و مالی بانک‌ها دارد.

۲. **توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش‌های بانکی و**

یکپارچه‌سازی اطلاعات

را مشخص می‌کنند و هرگونه کوتاهی در اجرا می‌تواند پیامدهای حقوقی جدی داشته باشد. با این حال، در بعد عملیاتی و اجرایی، نظام بانکی ایران با چالش‌هایی همچون ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، محدودیت در استفاده از سامانه‌های هوشمند تحلیل تراکنش و عدم آموزش مستمر کارکنان مواجه است. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که صرف وجود قانون کافی نیست و موفقیت در پیشگیری از پولشویی مستلزم هماهنگی میان واحدهای بانک، نهادهای نظارتی و قضایی، توسعه فناوری و آموزش مستمر است. این شکاف‌های عملیاتی باعث می‌شود که برخی از الزامات بین‌المللی تنها در سطح نظری رعایت شوند و تحقق کامل آن‌ها در عمل نیازمند سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مستمر باشد. در ایران، نهادهای متعددی مسئول نظارت و پیشگیری از پولشویی در نظام بانکی هستند که هر یک نقش مکمل و مؤثری دارند. بانک مرکزی با وظیفه نظارت بر اجرای دستورالعمل‌های ضدپولشویی و ارزیابی عملکرد واحدهای تطبیق، ساختار قانونی بانک‌ها را جهت رعایت الزامات داخلی و بین‌المللی هدایت می‌کند. مرکز اطلاعات مالی به عنوان نهاد کلیدی، وظیفه دریافت، تحلیل و ارسال گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک به بانک‌ها و نهادهای قضایی و امنیتی را بر عهده دارد. علاوه بر این، نهادهای قضایی و امنیتی در صورت شناسایی فعالیت‌های مشکوک، پرونده‌های حقوقی و کیفری را پیگیری می‌کنند و اقدامات قانونی لازم را اجرا می‌کنند. تحلیل حقوقی عملکرد این نهادها نشان می‌دهد که با وجود ساختارهای قانونی و نهادی، اثربخشی واقعی آن‌ها وابسته به هماهنگی، تبادل اطلاعات مؤثر، استقلال واحدهای تطبیق و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند است. ضعف در هر یک از این حوزه‌ها می‌تواند موجب تأخیر در شناسایی تراکنش‌های پرریسک، کاهش دقت گزارش‌ها و افزایش ریسک حقوقی بانک‌ها و مدیران شود. از سوی دیگر، وجود این نهادها و مقررات، ظرفیت تقویت شفافیت، پاسخگویی و مدیریت ریسک‌های حقوقی را در نظام

پیگیری تراکنش‌های مشکوک و کاهش اثربخشی سازوکارهای پیگیری می‌شود. پیشنهاد می‌شود

با تدوین دستورالعمل‌های مشترک، ایجاد جلسات هماهنگی دوره‌ای و توسعه کانال‌های ارتباطی امن، هماهنگی عملیاتی میان این نهادها افزایش یابد. این اقدام باعث افزایش سرعت پاسخگویی، بهبود شفافیت و ارتقای اثربخشی کلی نظام مقابله با پولشویی خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Money laundering has emerged as one of the most critical challenges confronting both national economies and the international financial order. In the Iranian context, the banking sector has been repeatedly identified as the most vulnerable node within the broader financial system, largely because of its intermediary role in capital flows and its exposure to both domestic and cross-border transactions. From a definitional perspective, the term “money laundering” carries a layered linguistic and legal significance, depicting a process through which illicit financial gains are disguised and reintegrated into the legitimate economy (Mirzaei, 2019; Nikukar, 2023a; Sadeghi, 2020; Seyed Mohammad, 2023a, 2023b). The tripartite model of placement, layering, and integration has been widely employed to conceptualize this crime (Abbasinia, 2023), and each stage highlights a different layer of systemic vulnerability. In the Iranian legal system, the Anti-Money Laundering Act of 2008 (with the 2017 amendments) codified the legal element of the crime, delineating both predicate offenses and the laundering process itself, while imposing

استفاده گسترده از فناوری‌های نوین، شامل الگوریتم‌های تحلیل داده‌های کلان و هوش مصنوعی، امکان شناسایی الگوهای مشکوک و تراکنش‌های پیچیده را فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌شود بانک‌ها با سرمایه‌گذاری در سامانه‌های هوشمند و ایجاد یکپارچگی میان بانک‌ها و مرکز اطلاعات مالی، فرآیندهای پایش و گزارش‌دهی را سریع‌تر و دقیق‌تر کنند. این اقدام موجب افزایش شفافیت، کاهش تأخیر در شناسایی تراکنش‌ها و تقویت هماهنگی میان نهادهای نظارتی می‌شود.

۳. تقویت هماهنگی میان نهادهای بانکی، قضایی و امنیتی و

ایجاد وحدت رویه عملیاتی

یکی از چالش‌های موجود، عدم هماهنگی کامل بین نهادهای بانکی و دستگاه قضایی و امنیتی است که گاهی موجب تأخیر در

obligations on financial institutions to conduct due diligence, customer identification, and suspicious transaction reporting (Al-Nuaimi, 2023; Sharifi, 2021). Nevertheless, multiple studies have documented the continuing ambiguity in statutory definitions, enforcement inconsistencies, and lack of effective sanctions that undermine the deterrent value of the law (Kamalipour, 2023; Karimi, 2021; Kazemi, 2021; Mirzaei, 2024). This reflects a deeper jurisprudential challenge: how to reconcile the principle of legality, which demands precise legal definitions and predictable sanctions, with the inherently adaptive and transnational character of financial crime (Kazemi, 2021).

The economic ramifications of money laundering in Iran are profound and multidimensional. By channeling illicit funds into the banking system, the normal allocation of financial resources becomes distorted, capital flows are diverted away from productive sectors, and systemic risks to credit and investment rise sharply (Mahmoudi, 2020a, 2020b; Nikukar, 2023b; Noorbek, 2023; Pourmohammadi, 2020, 2021; Rahmani, 2024; Rostami, 2019b; Sharifi, 2021). Trust in

banking institutions erodes when they are perceived to facilitate, either knowingly or negligently, the laundering of criminal proceeds. This erosion of confidence discourages savings and investment, while simultaneously raising monitoring and compliance costs. A further consequence is the distortion of fair competition, as illicit actors leveraging laundered capital secure advantages over legitimate enterprises (Mahmoudi, 2020a, 2020b; Rostami, 2019b). The presence of such capital also fosters speculative, non-productive activities, deterring long-term investments and destabilizing economic planning (Rostami, 2019b). The cumulative outcome is macroeconomic instability, undermining sustainable development strategies and widening inequality. From the perspective of legal policy, these dynamics highlight the necessity of robust compliance programs in banks, mandatory know-your-customer procedures, and real-time monitoring of financial transactions, which are already recognized in both Iranian law and international standards but remain inconsistently enforced (Sharifi, 2021).

The political and security dimensions of money laundering are equally pressing. The inflow of illicit capital into state and private institutions entrenches systemic corruption, diminishes institutional efficiency, and erodes the legitimacy of public authority (Kazemi, 2021; Mousavi, 2023; Najafi, 2019, 2020). As scholars have observed, laundered funds act as a financial lifeline for organized crime and terrorist networks, thereby escalating both domestic instability and transnational security threats (Kazemi, 2021; Mousavi, 2023). Administrative corruption is reinforced when illicit resources penetrate bureaucratic channels, allowing criminal actors to influence decision-making and policy implementation (Kazemi, 2021). This undermines democratic accountability and contributes to public

distrust. Internationally, Iran's classification as a high-risk jurisdiction by the Financial Action Task Force (FATF) has generated severe restrictions on global banking cooperation, isolating the country from mainstream financial networks and complicating international trade and investment. Such outcomes demonstrate the indivisible link between anti-money laundering (AML) measures and national security strategies. Legal scholars argue that without enhanced transparency and accountability mechanisms—principles emphasized in the UN Convention against Corruption (Merida Convention) (Hosseini, 2023a, 2023b; Kazemi, 2021; Mousavi, 2023; Najafi, 2019; Rahimi, 2019; Rahimi, 2023a, 2023b)—Iran will continue to face vulnerabilities in governance and exposure to international sanctions.

The comparative and international dimensions of AML regulation also reveal critical gaps between Iran's domestic system and global standards. The European Union directives, which evolved across successive generations to address increasingly complex laundering schemes, demonstrate a dynamic and preventive approach that emphasizes customer due diligence, beneficial ownership transparency, and enhanced cross-border cooperation (Kazemi, 2021; Mirzaei, 2024; Nikukar, 2023a; Rostami, 2019b). Similarly, global institutions such as the IMF and World Bank have developed capacity-building programs to strengthen member states' AML regimes, combining technical assistance, training, and financial support (Jafari, 2024a, 2024b; Pourmohammadi, 2020; Rahimi, 2023b; Rahmani, 2024). Iran's gradual accession to key international conventions, including the Vienna and Palermo Conventions, reflects an acknowledgment of these global norms (Ghasemi, 2019b; Kamrani, 2020; Karimi, 2021; Kazemi, 2021; Mousavi, 2023). Yet political sensitivities, sovereignty

concerns, and national security considerations have hindered full alignment (Mousavi, 2023; Najafi, 2019, 2020; Rasouli, 2023). The consequence is a fragmented compliance framework that attempts to reconcile international demands with domestic priorities but often fails to satisfy either fully. From a legal-institutional standpoint, this halfway position exacerbates the risk of being excluded from international finance while not delivering genuine domestic oversight.

Within the Iranian system, the central bank and affiliated financial institutions have been positioned as the frontline actors in AML enforcement. Their statutory duties include customer identification, suspicious transaction monitoring, staff training, and systematic reporting to the Financial Intelligence Unit (FIU) (Abbasi, 2024a, 2024b; Ghasemi, 2019a, 2019b; Hosseini, 2024a, 2024b; Mahmoudi, 2020a, 2020b; Najafi, 2019, 2020; Rostami, 2019a, 2019b). Banks, as custodians of public trust, are legally and ethically obliged to prevent their services from being exploited by criminal enterprises (Hosseini, 2024b; Karimi, 2021; Mousavi, 2023). Nevertheless, persistent deficiencies in technological infrastructure, reliance on formalistic rather than substantive compliance, and the lack of an integrated reporting culture have limited the efficacy of these obligations (Nikukar, 2023b; Sadeghi, 2020). Scholars emphasize the need for capacity building within banks, particularly through structured training, legal literacy, and investment in intelligent monitoring systems that can detect anomalous transaction patterns. The jurisprudential literature further stresses the importance of harmonizing sectoral regulations, eliminating contradictions across laws, and embedding explicit legal duties of cooperation among financial, judicial, and security institutions (Kamrani, 2020; Mirzaei, 2019; Sharifi, 2021; Soltani, 2020). Without such harmonization,

individual banks remain exposed to both criminal liability and civil suits, while systemic vulnerabilities persist.

The reform agenda, as developed by legal scholars and practitioners, revolves around legislative updates, institutional strengthening, and deeper integration with international frameworks. First, revising and clarifying the Anti-Money Laundering Act to encompass emerging threats, such as cyber-enabled laundering and cryptocurrency transactions, is essential (Sharifi, 2021). Second, inter-agency coordination between the judiciary, central bank, FIU, and law enforcement must be formalized and reinforced, reducing the current fragmentation (Kamrani, 2020). Third, legal frameworks should expand the scope of suspicious transaction reporting, impose clearer obligations on beneficial ownership disclosure, and mandate long-term data retention (Mirzaei, 2019). Fourth, Iran must enhance its mechanisms for international cooperation, including mutual legal assistance, asset recovery, and real-time data exchange with foreign FIUs (Soltani, 2020). At the philosophical level, grounding these reforms in the principles of legality, transparency, and accountability ensures both compliance with human rights standards and consistency with international obligations (Kamalipour, 2023; Kazemi, 2021; Mirzaei, 2024). Ultimately, these proposals envision an AML regime that not only prevents financial crime but also restores public trust in financial institutions, strengthens Iran's international financial credibility, and fosters long-term economic resilience.

In conclusion, this study underscores that combating money laundering in Iran's banking sector demands a multi-layered strategy integrating legislative precision, institutional accountability, and technological innovation. The analysis demonstrates that although significant legal instruments and

regulatory bodies exist, their fragmented enforcement and limited compliance culture undermine effectiveness. Addressing these gaps requires a balanced approach: aligning domestic law with international norms while safeguarding sovereignty, investing in human and technological capacity within banks, and cultivating a culture of transparency and accountability. By embedding these reforms, Iran can enhance the integrity of its financial system, mitigate both economic and political vulnerabilities, and position itself more securely within the international financial order.

References

- Abbasi, M. (2024a). *Directives and Guidelines of the European Central Bank*. University of Tehran Press.
- Abbasi, M. (2024b). *Restricting the Activities of Non-Compliant Financial Institutions*. University of Tehran Press.
- Abbasinia, F. (2023). *Anti-Money Laundering Training Programs in Turkey*. Majd Publishing.
- Al-Nuaimi, M. (2023). *Regulatory Bodies and New Technologies in the UAE*. Majd Publishing.
- Ghasemi, H. (2019a). Coordination of Financial Institutions and the Central Bank in Iran. *Banking Research*(13), 425-435.
- Ghasemi, H. (2019b). Political Obstacles to Implementing FATF Recommendations. *Journal of Public Policy*(11), 390-400.
- Hosseini, A. (2024a). *Imposition of Financial Penalties in Combating Money Laundering*. Pajouhesh Publishing.
- Hosseini, A. (2024b). *Money Laundering Risk Assessment by the European Central Bank*. Pajouhesh Publishing.
- Hosseini, R. (2023a). *Comparison of Anti-Money Laundering Structures in the Region*. Edalat Publishing.
- Hosseini, R. (2023b). *Training and Human Resource Development in Financial Technologies*. Edalat Publishing.
- Jafari, S. (2024a). *The Role of the European Central Bank in the European Union's Supervisory System*. Edalat Publishing.
- Jafari, S. (2024b). *Sanctions Mechanisms in the European Union's Supervisory System*. Edalat Publishing.
- Kamalipour, S. (2023). *Legal Developments in Combating Money Laundering in Turkey*. Edalat Publishing.
- Kamrani, R. (2020). Coordination of Banking Laws and Regulations of Financial Institutions in Combating Money Laundering. *Financial Law Research*, 7(2), 470-478.
- Karimi, A. (2021). Empowering Anti-Money Laundering Institutions in Iran. *Journal of Criminal Law*, 2(3), 490-500.
- Kazemi, S. (2021). Maintaining Confidentiality and Data Protection in the Financial System. *Banking Law Quarterly*(11), 505-515.
- Mahmoudi, A. (2020a). Inter-Agency Cooperation in Money Laundering Cases. *Judicial Research*, 8(4), 335-345.
- Mahmoudi, A. (2020b). Legal and Political Obstacles in Implementing FATF Recommendations in Iran. *Journal of International Legal Studies*(15), 365-400.
- Mirzaei, F. (2024). *The Effectiveness of the European Union's Supervisory System*. Edalat Publishing.
- Mirzaei, N. (2019). Financial Transparency and Reporting of Suspicious Transactions. *Journal of Economics and Law*(20), 478-485.
- Mousavi, F. (2023). *Evaluating the Effectiveness of Technology in Regional Anti-Money Laundering Efforts*. Edalat Publishing.
- Najafi, M. (2019). Authentication Mechanisms in Financial Systems. *Criminal Law Quarterly*(18), 290-300.
- Najafi, M. (2020). The Role of the Prosecutor's Office in Handling Money Laundering Cases. *Journal of Criminal Law*(22), 320-335.
- Nikukar, R. (2023a). *Facilitating Financial Information Exchange in Turkey*. University of Tehran Press.
- Nikukar, R. (2023b). *The Role of Regional Organizations in Coordinating Turkey's Actions*. University of Tehran Press.
- Noorbek, F. (2023). *The Role of Malaysia's Financial Intelligence Unit in Combating Money Laundering*. Pajouhesh Publishing.
- Pourmohammadi, S. (2020). Legislative Reforms and Harmonization with International Standards. *Legal Research*(17), 470-490.
- Pourmohammadi, S. (2021). Empowering Domestic Institutions in Combating Money Laundering. *Journal of Economic Policies*(10), 520-530.
- Rahimi, A. (2019). The Role of the Financial Crimes Enforcement Network (FinCEN) in the United States. *Journal of Comparative Law*(10), 255-265.
- Rahimi, H. (2023a). *Assessing Turkey's Position in the Regional and Global Anti-Money Laundering System*. Edalat Publishing.
- Rahimi, H. (2023b). *Turkey's Role in the Regional Anti-Money Laundering System*. Edalat Publishing.
- Rahmani, H. (2024). *New Technologies in the European Union's Financial Supervision*. University of Tehran Press.
- Rasouli, M. (2023). *Enhancing International Cooperation in Turkey*. Pajouhesh Publishing.

- Rostami, K. (2019a). Challenges of International Banking Relations and the Closure of Foreign Accounts. *Journal of International Economics*(15), 415-430.
- Rostami, K. (2019b). Examining the Compliance of Iran's Laws with FATF Recommendations. *Financial and Banking Research*(13), 350-365.
- Sadeghi, R. (2020). Limitations of Anti-Money Laundering Institutions in Iran. *Journal of Criminal Law*(20), 270-285.
- Seyed Mohammad, A. (2023a). *Anti-Money Laundering Law in Malaysia*. Edalat Publishing.
- Seyed Mohammad, A. (2023b). *Application of Technology in Malaysia's Anti-Money Laundering System*. Edalat Publishing.
- Sharifi, M. (2021). Legal Reforms in the Field of Terrorism Financing. *Quarterly Journal of Criminal Law Studies*(12), 465-475.
- Soltani, F. (2020). International Cooperation in the Fight Against Money Laundering. *Journal of International Law*(9), 480-490.